توحید وسنّت

ماکی هستیم

و

چه می خواهیم؟



teuhid
BASIM YAYIN

تدوین؛
مجله توحید



عقیـــــــــــده ما
مـــــــــنهج ما

مجله توحید



www.tevhiddersleri.tv
www.tevhiddergisi.net
tevhiddergisi@gmail.com

چاپ و انتشـارات توحید: ماکی هسـتیم و چه می خواهیم؟

آمادگی فنی: تالیف
چاپ و انتشـارات توحید
تنظیم
چاپ و انتشـارات توحید

چاپ: محل چاپ
اسـتانبول، باغجیلار، محله گوز
تپه،خیابان بوسنه شماره۱۱
شماره سند ۱۲۲٦٦

ارتباط: پست الکترونیکی

tevhiddergisi@gmail.com
شماره تلفن
۰٥٤٥۷٦۲۱٥۱٥

آدرس پستی

P. K. 51 Güneşli Merkez PTT
Bağcılar/İstanbul
مرکز

اسـتانبول، باغجیـلار، محلـه کیرازلـی، جـاده
محمـود بـی پـلاک:۱۲۰ آ

چاپ اوّل۲۰۱٦
t 978-605-83704-0-1

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الحمد لله نحمده و نستعينه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور انفسنا و من سيئات اعمالنا من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادي له و نشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له و نشهد أن محمداً عبده و رسوله، فان أصدق الحديث كتاب الله و خير الهدي هدي محمد صلي الله عليه و سلم و شر الأمور محدثاتها و كل محدثة بدعة كل بد عة ضلا لة و كل ضلاله فی النار

سپاس وستایش مخصوص الله(ﷻ) است، الله(ﷻ) را سپاس میگوییم واز الله(ﷻ) کمک واستغفار میطلبیم هر کس را هدایت بخشد کسی نمیتواند وی را گمراه سازد وهر کس را گمراه سازد کسی نمیتواند وی را هدایت بخشد الله(ﷻ) تک وتنهاست وی را هیچ شریکی نیست وشهادت میدهم که محمد (ﷺ) بنده و فرستاده الله(ﷻ) است.

"اي كساني كه ايمان آوردهـ ايد آن چنان كه بايد از الله(ﷻ)ترسيد از خدا بترسيد (و با انجام واجبات و دوري از منهيّات گوهر تقوا را به دامان گيريد) و شما نميريد مگر آن كه مسلمان باشيد." [1]

"اي مردمان! از (خشم) پروردگارتان بپرهيزيد. پروردگاري كه شما را از يك انسان بيافريد و (سپس) همسرش را از نوع او آفريد، و از آن دو

---

۱. آل عمران ۱۰۲

نفـر مـردان و زنـان فـراواني (بـر روي زمـين) منتـشر سـاخت. و از (خشـم) خـدائي بپرهيزيـد كـه همديگـر را بـدو سـوگند ميدهيـد؛ و بپرهيزيـد از ايـن كـه پيونـد خويشـاوندي را گسـيخته داريـد (و صلـه رحـم را ناديـدة گيريـد)، زيـرا كـه بيگـمان الله(ﷻ)مراقـب شـما اسـت (و كـردار و رفتـار شـما از ديـدة او پنهـان نميمانـد)" [2]

"اي مؤمنـان! از اللـه(ﷻ) بترسـيد (و خويشـتن را بـا انجـام خوبيهـا و دوري از بديهـا از عـذاب او در امـان داريـد) و سـخن حـق و درسـت بگوئيـد در نتيجـه الله(ﷻ)(توفيـق خيرتـان ميدهـد و) اعمالتـان را بايسـته ميكنـد و گناهانتـان را ميبخشـايد. اصـلاً هـر كـه از اللـه(ﷻ) و پيغمـبرش فرمانـبرداري كنـد، قطعـاً بـه پـيروزي و كاميـابي بزرگـي دسـت مـی يابيـد." [3]

سـپس بـدون شـک وگـمان بهتريـن سـخن كلام اللـه(ﷻ) اسـت وبهتريـن راه، راه حـضرت محمـد (ﷺ)

هرامـری ازامـور دينـی بعـد از پيامـبر سرزده باشـد و دسـتور ايشـان بـر آن امـر نباشـد بدعـت اسـت وهـر بدعتـی گمراهيسـت وهـر گمراهـی و ضلالتـی جايگاهـش دوزخ اسـت

---

۲. نساء ۱

۳. احزاب ۷۱-۷۰



ماکی هستیم

و چه می خواهیم؟

پیش گفتار

بنام پروردگار بخشنده مهربان...

سپاس و ستایش مخصوص پروردگار ودرود و صلوات برپیامبر.

خوانندگان محترم!

درود ورحمت الله(ﷻ) بر کسانی که هدایت الله(ﷻ) شامل حالشان شده است. ما جماعتی هستیم از الله(ﷻ) ترسیده وبه رحمت الله(ﷻ) چشم دوخته ایم، هدایت الله(ﷻ) شامل حال ما گشته ومارا موفق و مفتخر به خدمت و دعوت به دین نموده است. پروردگار ما را موفق به دعوت به توحید و سنت نمود بصورتی که با لطف الله(ﷻ) هر کس آنرا شنیده و هرجا انتشار یافته است.

البته اصول و اساسی که ما بیان میداریم، چیزهای تازه و نوظهور نیستند، بلکه این پیام نقطه اشتراک دعوت همه پیامبران از آدم (علیه السلام) تا خاتم (ﷺ) بوده است و ما با رساترین وبهترین صدا این پیام را تبلیغ می کنیم.



هـدف از تهیـه و تنظیـم ایـن کتـاب آگاه سـاختن ملیونهـا انسانیسـت کـه از دعـوت وپیـام مـا آگاهـی نداشـته و مـا را نمـی شناسـند.

دعـوت نکـردن انسـانها بـه دیـن اللـه(ﷻ) در حقیقـت بـه معنـای تحریف نمـودن سـنتهای الهـی اسـت. همچنـان کـه طاغوتان پیشـین از یـادآوری عذاب اللـه(ﷻ) خوششـان نمـی آمـد، بدینصورت نیزیـادآوری عذاب اللـه(ﷻ) برمزاق فرمانروایـان و نمایندگانـی کـه از فرمـان اللـه(ﷻ) سرپیچـی می کنند خوشـایند نیسـت. بصورتـی کـه اگـر حقیقـت عـذاب اللـه(ﷻ) را بدانهـا یـادآوری کنیـد بـر مزاقشـان گـران آمـده و از اهـل حقیقـت فـرار نمـوده بـه جمـع اهـل باطـل در مـی آینـد وعاقبـت آنهاجبهـه گیـری نمـوده وبـا مـا دشـمنی و ابـراز خصومـت مـی نماینـد.

"مـا بـه سـوي قـوم ثمـود برادرشـان صالـح را روانـه کردیـم (تـا ایشـان را بـه یکتاپرسـتي دعـوت کنـد و بدیشـان بگویـد) کـه اللـه(ﷻ)را بپرسـتید امّـا آنـان بـه دو گـروه تقسـیم شـدند و بـه کشـمکش پرداختنددسـته ای مؤمـن و دسـته ای کافـر گشـتند." [1]

پیشـاپیش دعـوت مـا را ناچیـز شـمردند سـپس بسـان جادوگـران بـر روی وسـایل ارتبـاط جمعـی بـه مقابلـه ودشـمنی بـا مـا پرداختنـد!

" گفتنـد: آیـا مـا (اشراف و نجبـاء) بـه شـما ایمـان بیاوریـم، در حـالي کـه پسـترین و بـی ارزشـترین افـراد از تـو پـیروي کـردە انـد؟! چگونـه انتظـار داري افـراد ثروتمنـد و والامقـام، بـا مشـتي بیسـر و پـا و گمنـام، همـراه و همنشـین شـوند؟!" [2]

"اصـلاً مـن برتـرم از ایـن مـردي کـه حقـیر و ضعیـف (و از خانـوادە

۱. نمل ۴۵

۲. شعراء ۱۱۱



پائین و از طبقه پستي) است و هرگز نمیتواند گویا سخن بگوید و مراد خویش را روشن بیان دارد." [3]

دعوتی را که فطرت انسانها را خطاب قرار می دهد وآنها را به بندگی نمودن برای خدا دعوت می نماید وقتی که چنان دعوت و فطرت سالمی را می بینند، گمان می برند که نیت این دعوتگران بد و دروغ است و برای مقاصد مختلف و جداگانه ای است.

"اشراف و سران کافر قوم او گفتند: این مرد جز انساني همچون شما نبوده (و در ادّعاي نبوّت دروغگو است) ولي او (با این ادّعاء) میخواهد بر شما برتري گیرد (و خویشتن را سرور و آقاي شما گرداند). اگر الله(ﷻ)میخواست (پیغمبري را به میان ما روانه کند) حتماً فرشتگاني را (براي این منظور) میفرستاد. ما چنین چیزي را در (تاریخ) پدران پیشین خود نشنیده ایم (انساني ادّعاي نبوّت کند و خود را نماینده الله(ﷻ) بداند)" [4]

"فرعون (به اطرافیان و مشاوران خود) گفت: بگذارید من موسي را بکشم و او پروردگارش را (براي نجات خود از دست من) به فریاد خواند. من از این میترسم که آئین شما را تغییر دهد، یا این که در زمین فساد را گسترش دهد و پراکنده سازد." [5]

کسانی هستند که بسان قهرمان به این دعوت دل داده و دنیا را با همه زیباییهایش ترک نموده باوجود اینکه انسانهایی هستند که عمری جهت کسب عنوان وشهرت تحصیل نموده اند اما این دعوتگران قهرمان همه اینها را ترک کرده اند و به اشتهای سیرنشده مال و ثروت و

---

۳. زخرف ۵۲

۴. مومنون ۲۴

۵. غافر ۲۶



تجارتی که الله(ﷻ) ازآن راضی نیست دست رد زده اند. ونمونه بارزو زنده این آیه قران گشته اند: "**فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ**" 'به سوي (عبادت) الله (ﷻ) بشتابید' [6] ودر راه بندگی الله(ﷻ)همه قید و دستبندها را گسسته وبا وجود اینکه عالمان دربار و احزاب دینی جهت کسب درآمد به دین تمسّک جسته اند اما این دعوتگران قهرمان و موحد در راه دین هر چیز خود را فدا نموده اند.

سپس بسان نیاکان طاغوت صفتشان این تهدید را احیا و زنده نمودهـ اند که؛ یا راهـ ما را انتخاب کنید، یا راهـ خود را ترک نمایید.

"کافران (و سردستگان زندقه و ضلال، هنگامي که از راهـ دلیل با انبیاء برنیامدند، به زور متوسّل شدند و) به پیغمبران خود گفتند: یا به آئین ما باز میگردید یا این که شما را از سرزمین خود بیرون میکنیم. پس پروردگارشان به آنان (که حاملان رسالات آسماني و راهنمایان بشري بودند) پیام فرستاد که حتماً ستمکاران (کفرپیشه چون ایشان) را (به خاطر ظلم و ستمي که روا میدارند) نابود میکنیم." [7]

آنها سنت نیاکان خود(کافران) را زنده نمودند وما نیز سنت نیاکان خودرا...

"اگر ما به آئین شما درآئیم، بعد از آن که الله(ﷻ)ما را از آن نجات بخشیدهـ است، مسلّماً به الله(ﷻ)دروغ بسته ایم (و به گزاف خویشتن را پیروان آئین آسماني نامیدهـ ایم). ما را نسزد که بدان درآئیم، مگر این که الله(ﷻ) که پروردگار ما است بخواهد (که هرگز چنین چیزي را هم نخواهد خواست). علم پروردگار ما همه چیز را در بر گرفته

۶. ذاریات ۵۰

۷. ابراهیم ۱۳



است (و او با مرحمت و محبّتي كه نسبت به مؤمنان دارد، ايمان ما را محفوظ ميفرمايد. لذا) ما تنها بر الله(ﷻ) توكّل داشته (و هم بدو پشت ميبنديم). پروردگارا! ميان ما و قوم ما به حق داوري كن (حقي كه سنّت تو در داوري ميان مِحقّينِ مصلِحين و مبْطِلينِ مفسدين، بر آن جاري است) و تو بهترينِ داوراني (چرا كه بر همه چيز آگاه و بر هر چيز توانائي)." [8]

دیدند که؛ تحقیر، به حاشیه راندن، ترور شخصیت... هیچکدام کارساز نخواهد بود. چگونه کارساز میشود؟ زیرا این دعوتگران قهرمان بافریاد پروردگار ما الله (ﷻ) است! بپا خواستند والله(ﷻ)بدانها صبر و استقامت بخشید.

"ما به دلهايشان قدرت و شهامت داديم، آن گاه كه بپا خاستند و (براي تجديد ميعاد با آفريدگار خود، در ميان مردم فرياد برآوردند و) گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمين است. ما هرگز غير از او معبودي را نميپرستيم. (اگر چنين بگوئيم و كسي را جز او معبود بدانيم) در اين صورت سخني (گزاف و) دور از حق گفته ايم" [9]

اما حالا زمان مبارزه عملی آنها(کافران) با دعوت ما فرارسیده و آنهم ممانعت و جلوگیری از دعوت است.

"(فرعون سخت برآشفت و) گفت: اگر جز مرا به پروردگاري برگزيني تو را از زمره زندانيان خواهم كرد (و در بيغوله هاي زندان همچون ديگران خواهي پوسيد)" [10]

---

۸. اعراف ۸۹

۹. کهف ۱۴

۱۰. شعراء ۲۹



وزندانی نمودند.... تنها یک مشکل وجود دارد. آنها ملیونها انسان را به دین دمکراسی دعوت نموده اند و چنان دمکراسی را تعریف وتعلیم می کنند که دمکراسی دین آزادی و رهایی از قیدو شرط است. آنها بایستی آنچنان که نشر اباطیل و ناحقّی را آزادی قلمداد می کنند بایستی نشرو توسعه حق و راستی نیز برای اهل حق آزاد باشد. دقیقا در این قضیه آنها مانند مشرکان مکه هستند که از حلوا وشیرینی بُت درست می کردند و زمانی که گرسنه می شدند بتها را که خدای خود نموده بودند را می خوردند!این طرز اندیشیدن مشرکان در دنیاست، آنها که در دنیا تا این اندازه حقیرهستند، عجبا در آخرت چه ذلت و خواری در انتظار آنها خواهد بود؟

دمکراتها که سالیان دراز از آزادی صحبت نموده بودند وقتی دیدند که اهداف آنها تحقق نمی یابد مانند نیاکانشان که گرسنه می شدند و بتهایی را که از حلوا درست می کردند می خوردند، چنان نمودند.

برای به زندان انداختن ما احتیاج به دروغ و تهمت داشتند. ما را به القاعده نسبت دادند... ویا باتوجه به قانونهای تعیین شده خودشان مجازاتهایی را تحت عنوان یک سازمان تیروریستی مسلح! وضع نمودند. اما بازهم کارساز نبود. چونکه هرکسی خوب بر این امر واقف بود که ما القاعده نیستیم و منهج و عقیده القاعده را نمی پسندیم و برضد کشورهای اشغالگر در داخل و خارج از کشورهای اشغالی عملیاتی را انجام نداده ایم.

با خواست و لطف الله(ﷻ) بعد از یک سال همه برادران، از زندان آزاد شدند. سال۲۰۰۹-۲۰۰۸

پروردگار را سپاس و ستایش می کنیم وبا لطف الله(ﷻ) بعد از آزاد شدن از زندان طاغوتان، با اراده ای راسختر و ایمانی بیشتر، براه خود را ادامه دادیم.



دوسال بعد دوباره هجوم آوردند وگفتند: شما تنها بخشی از اسلام را به انسانها تعلیم می دهید و وظیفه خود می دانیم که از زهرآلود نمودن عقیده انسانها بوسیله شما ممانعت نماییم، شما انسانها را به میانه روی دعوت نمی کنید. هنوز فردی که با چنین جُرمی ما را به زندان انداخته خودش به اتهام خیانت به وطن در زندان سیلیفری (نام زندانی در ترکیه) زندانی شده است. دوباره ما را به زندان انداختند. و بعد از دوسال برادرانمان از زندان آزاد شدند. سال۲۰۱۳-۲۰۱۱

همگام با آزادی دوباره با لطف و رحمت الله(ﷻ) دوباره با رساترین صدا وبا مقیاس گسترده تری پا در رکاب دعوت گذاشته و این بار دعوت ما مرزهای ترکیه را در نوردید و دعوت ودرسهای ما بجز زبان ترکی به زبانهای دیگری نیز ترجمه و انتشار شد. این بار دعوت ما افزون بر ناراحت نمودن طاغوتانی که در اطرافمان بودند،موجب نگرانی طاغوتان جهانی در این کره خاکی شد وسرخط خبرها و روزنامه ها را به دعوت ما اختصاص نمودند. کسانی که حلقه به گوش بیگانه و دشمن بودند برای رضایت خاطر اربابانشان، شروع به جبهه گیری نموده و انجام برخی از اعمال را ضروری میدانستند.

نُه ماه از آزادی ما از زندان نگذشته بود که دوباره ما را به زندان انداختند ابتدا ما را به طرفداری و پیوندی با دولت اسلامی در عراق و شام(داعش)متهم نمودند.

چند روز اخبار رسانه ها را با این خبر مشغول ساختند. اما آنها گفتند که القاعده را گرفته اند. اما برای قاضی نیز قابل هضم نبود که ما را به تهمت دو سازمان القاعده و داعش دستگیر و محاکمه نماید. بعدا دست برنداشتند و گفتند: سازمانی تیروریستی مسلح! عجیب آن است باوجود اینکه ما اسلحه ای نداریم بازهم ما را سازمانی تیروریستی مسلح نام نهاده اند!اینجاست که سخن یکی از کمیسرها را بیاد می-



آورم کـه گفـت: باوجـود اینکـه شـما اسـلحه نداریـد امـا فکـر و عقیـده شـما از اسـلحه خطرناکـتر اسـت. سـال۲۰۱٤

بخاطـر ایـن تهمـت بـرادران بعـد از نُـه مـاه از زنـدان آزادشـدند. بعـد از آزاد شـدن بـرادران بـا بسـم اللـه گفـتن دوبـاره پـا در رکاب دعـوت گذاشـته و دعـوت خویـش را شروع نمودنـد. امـا هشـت مـاه سـپری نشـده بـود کـه دوبـاره یـک عملیـات دیگـر را شروع نمودنـد. مـدت یـک هفتـه بـا گفـتن اینکـه اینها داعـش هسـتند مـردم را فریـب دادنـد. اما آنهـا مـا را بـه اتهـام القاعـده دسـتگیر نمودنـد. امـا جسـتجو وبازپرسـی دادگاه را تحـت عنـوان سـازمان تیروریسـتی مسـلح انجـام دادنـد. سـپس دوبـاره بـه ایـن قناعـت رسـیدند کـه مـا داعـش هسـتیم! هـر چنـد سـازمانهای اطلاعاتـی دولـت در گزارشـها نوشـتند کـه اینهـا داعـش نیسـتند. امـا دمکراتهـا را اقنـاع ننمـود و بـه خـوردن حلـوای دمکراسـی مشـغول شـدند. وگسـتاخانه بیـان نمودنـد کـه سـبب بـه زنـدان انداخـتن شـما بخاطـر اسـلحه و بمـب نیسـت، بلکـه بخاطـر دعـوت و سـخنهایی اسـت کـه در مراسـم عیـد رمضـان ایـراد نمـوده ایـد. از آن جملـه مـی گفتنـد: آیـا شـما دولـت ترکیـه را بعنـوان یـک رژیـم طاغوتـی مـی بینیـد؟ چـرا در مسـجدهایی کـه مربـوط بـه اداره اوقـاف اسـت نمـاز نمـی خوانیـد؟ چـرا شرکـت در انتخابـات و رای دادن را شرک قلمـداد مـی کنیـد؟ ایـن نـوع از سـوالها مشـخص مـی سـازد کـه چـرا آنهـا عقیـده مـا را بسـان اسـلحه و بمـب مـی بیننـد. حـالا اسـتاد و برادرانمـان در زنـدان هسـتند. سـال۲۰۱٥

سـپاس بـرای پـروردگار کـه ایـن عملیـات موجـب نـشر و گسـترش دعـوت شـد، و همریـزی بیشـتر وایجـاد زمینـه هـای دیگری را برای ما بـه ارمغان آورد.

سـوالی کـه بیشـتر در اذهـان مطـرح مـی شـود ایـن اسـت کـه؛ اینهـا کـی هسـتند وچـه مـی خواهنـد؟ هرکـس چیـزی گفتـه اسـت. بـا گذشـت هـر روز دوسـت داشـتن ایـن دعـوت نـزد دوسـتداران بیشـتر میشـود و بـه همـان



انـدازه هـم کسـانی را کـه از ایـن دعـوت نفـرت دارنـد وموجـب ناراحتـی آنهـا میشـود ایـن ناراحتـی و کینـه آنهـا از دعـوت مـا، در زبانشـان بازتـاب مـی یابـد وآنچـه را از کینـه در درونشـان مخفـی مـی کننـد چـه بسـا خیلـی بزرگـتر و بیشـتر اسـت.....

بنابرایـن، بـرای شـفای دل کسـانی کـه بدیـن دعـوت دل داده انـد وبـرای جـواب دادن بـه سـوال اشـخاص کنجـکاو در مـورد دعـوت مـا و ازبیـن بـدن تـرس برخیهـا از دعـوت، وبسـان بشـارتی ایـن کتـاب را آمـاده نمـوده ایـم و تـا زنـده ایـم بـا رسـاترین صـدا بـرای شـناخت ایـن دعـوت تـلاش مـی کنیـم.

سـعی مـی کنیـم کـه عقیـده و منهـج خویـش را بـه شـما ارائـه دهیـم. وتـلاش نمـوده ایـم کـه ایـن مـتن را در قالـب خلاصـه و چکیـده آمـاده سـازیم. وبـرای آگاهـی بیشـتر از مـاده هـای بیـان شـده مـی توانیـد بـه منبعهـای بیـان شـده مفصـل از جانـب جماعـت مراجعـه نماییـد.

شـما را بـه اللـه(ﷻ) سـپرده و خواهانیـم کـه هدایـت اللـه(ﷻ) شـامل حالمـان گـردد.



عقیـــــــــــــــده ما



باور ما

۱. ایـمان؛ ایـمان بـه اللـه(ﷻ)، پیامـبران، فرشـته هـا، کتابهـای آسـمانی، روزآخـرت، قضاوقـدر چـه خیـر یـا شر از جانـب اللـه(ﷻ) را شـامل میشـود.

"فرسـتادﻩ معتقـد اسـت بدانچـه از سـوي پـروردگارش بـر او نازل شـدﻩ اسـت (و شـكّي در رسـالت آسـماني خـود نـدارد) و مؤمنـان (نيـز) بـدان بـاور دارنـد. همگـي بـه اللـه(ﷻ) و فرشـتگان او و كتابهـاي وي و پيغمبرانـش ايمـان داشـته (و ميگوينـد:) ميـان هيـچ يـك از پيغمـبران او فـرق نميگذاريـم (و سرچشـمه رسـالت ايشـان را يـكي ميدانيـم). و ميگوينـد: (اوامـر و نواهـي ربّـاني را توسّـط محمّـد) شـنيديم و اطاعـت كرديـم. پـروردگارا! آمـرزش تـو را خواهانيـم، و بازگشـت بـه سـوي تـو اسـت." [1]

"ایـمان شـامل ایـمان بـه اللـه(ﷻ)، فرشـته هـا، پیامـبران، کتابهـای آسـمانی، روزآخـرت، قضاوقـدر چـه خیـر و چـه شر، مـی باشـد." [2]

---

۱. بقره ۲۸۵

۲. مسلم ۸



۲. هر یک از اینها شامل اصول ایمان است؛ بایستی به یکا یک این اصول ایمان داشت، رد نمودن هر یک از این اصول بسان آن است که همه اصول را رد نموده باشید و فرقی میان آنها نیست. فقط بخاطر اینکه یهودیها با جبرییل (علیه السلام) دشمنی نمودند، خداوند همه اصول ایمان آنها را رد نمود.

"(بعضي از آنان ميگويند كه: چون جبرئيل، دشمن ايشان، قرآن را براي محمّد مي آورد، آنان با او دشمني ميورزند و كتابش را قبول ندارند. اي پيغمبر! بديشان) بگو: كسي كه دشمن جبرئيل باشد (در حقيقت دشمن الله(ﷻ) است) زيرا كه او به فرمان الله(ﷻ) قرآن را بر قلب تو نازل كرده است (نه اين كه خودسرانه دست به چنين امري زده باشد). قرآني كه كتابهاي آسماني پيشين را تصديق ميكند، و هدايت و بشارت براي مؤمنان است. كسي كه دشمن الله(ﷻ) و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئيل و ميكائيل باشد (الله(ﷻ) دشمن او است). چه الله(ﷻ) دشمن كافران است." [3]

"كساني كه به الله(ﷻ)و پيغمبرانش ايمان ندارند و ميخواهند ميان الله(ﷻ) و پيغمبرانش جدائي بيندازند (و بگويند كه به الله(ﷻ) ايمان داريم، ولي به پيغمبران ايمان نداريم) و ميگويند كه به برخي از پيغمبران ايمان داريم و به برخي ديگر ايمان نداريم، و ميخواهند ميان آن (كفر و ايمان) راهي برگزينند (ولي ميان كفر و ايمان فاصله اي نيست و دو راه بيش وجود ندارد: راه كفر و راه دين) آنان جملگي بيگمان كافرند، و ما براي كافران عذاب خواركنندهاي فراهم آوردهايم.") [4]

انکار هر یک از پیامبران یا کتابهای آسمانی آنها یا فرشته ها بسان

---

۳. بقره ۹۸-۹۷

۴. نساء ۱۵۱-۱۵۰

این است که همه اصول ایمان را انکار نموده باشید.

۳. ایمان به الله(ﷻ) بر سه اساس استوار است؛

آ. توحید الوهیت: اله به معنای ویرا عبادت نمودن است. توحید در الوهیت بدان معناست که همه عبادت و اعمال بنده تنها برای **پروردگار** یکتا باشد و در این رابطه هیچ چیز را با الله(ﷻ) شریک نسازد. وچنانچه هر یک از عبادات مانند: دعا، نذر، قربانی، نماز، طواف ویا قانونگذاری را به غیر الله(ﷻ) اعم از شخص یا موسسه بدهند، در حقیقت بجز الله(ﷻ) برای خود خدای دیگری را انتخاب نموده است.

"بگو: بیگمان پروردگارم (با وحي آسماني و نشان دادن آيات قرآني و گستردۀ جهاني) مرا به راه راست رهنمود كردۀ است. و آن دين راست و استوار و پابرجا، يعني دين ابراهيم است. همان كسي كه حقّگرا (و از آئينهاي انحرافي محيط خود رويگردان) بود و از زمرۀ مشركان نبود. بگو: نماز و عبادت و زيستن و مردن من از آن الله(ﷻ) است كه پروردگار جهانيان است. الله(ﷻ) را هيچ شريكي نيست، و به همين دستور دادۀ شدۀ ام، و من اوّلين مسلمان هستم." [5]

"فرمانروائي از آن الله(ﷻ) است و بس. (اين، او است كه بر كائنات حكومت ميكند و از جمله عقائد و عبادات را وضع مينمايد) الله(ﷻ) دستور دادۀ است كه جز او را نپرستيد. اين است دين راست و ثابتي (كه ادلّه و براهين عقلي و نقلي بر صدق آن رهبرند) ولي بيشتر مردم نميدانند (كه حق اين است و جز اين پوچ و ناروا است)" [6]

ب. توحید ربوبیّت: رَبّ؛ به معنای آفریننده، ترتیب کننده وتربیت

---

۵. انعام ۱۶۳-۱۶۱

۶. یوسف ۴۰



کنندگی ازآن الله(ﷻ) است. در توحید ربوبیت بایستی اعمال الله(ﷻ) را بیگانگی خواند و ایمان داشت که هیچ چیزی قدرت بر انجام کارها و اعمال الله(ﷻ) را ندارد.

"بگو: چه کسي از آسمان (به وسیله اشعّه و باران) و از زمین (به وسیله فعل و انفعالات خاك و رویش گیاهان و درختان و میوه آنها) به شما روزي ميرساند؟ یا چه کسي بر گوش و چشمها توانا است (و آنها را ميآفریند و بدانها نیروي شنوائي و بینائي میدهد)؟ یا چه کسي زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون مي آورد (و حیات و ممات در دست او است)؟ یا چه کسي امور (جهان و جهانیان) را میگرداند؟ (پاسخ خواهند داد و) خواهند گفت: آن الله(ﷻ)است، پس بگو: آیا نميترسید و پرهیزگار نميشوید؟ آن، الله(ﷻ) است که پروردگار برحق شما است. آیا سواي حق جز گمراهي است؟ پس چگونه باید از راه به در برده شوید؟" [7]

"پروردگار شما خداوندي است که آسمانها و زمین را در شش دوره بیافرید، سپس بر تخت (مرکز فرماندهي جهان) چیره شد (و به اداره جهان هستي پرداخت). با (پرده تاریك) شب، روز را ميپوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشید و ماه و ستارگان را بیافریده است و جملگي مسخّر فرمان او هستند. آگاه باشید که تنها او مي آفریند و تنها او فرمان میدهد. بزرگوار و جاویدان و داراي خیرات فراوان، خداوندي است که پروردگار جهانیان است." [8]

رب بدان معناست که الله(ﷻ)مربی این عالم وامور مربوط بدان است. پروردگار مخلوقاتش را به دو شکل تربیت می کند:

---

۷. یونس ۳۲-۳۱

۸. اعراف ۵۴



• قوانیـن و احکامـی کـه الله(ﷻ) بـرای نظـم وترتیـب ایـن کاینـات قـرار داده تـا از بهـم خوردگـی و آشـفتگی جلوگیـری شـود. طلـوع وغـروب آفتـاب، بدنبـال هـم آمـدن شـب و روزوحرکـت اشـیاء آسـمانی در یـک مـدار شـامل ایـن قوانیـن مـی شـود. و از بیـن رفـتن ایـن قوانیـن و تنظیـمات از جانـب پروردگاربـه معنـای برپاشـدن قیامـت اسـت.

• قوانیـن و احکامـی کـه اللـه(ﷻ) در قالـب قـران و شریعـت نـازل نمـوده اسـت و بـرای ایجـاد نظـم و ترتیـب داخـل اجتـماع اسـت. انسـانها ایـن احـکام و قوانیـن را تـرک نمـوده و تابـع قوانیـن وضـع شـده بوسـیله انسـانهای نـادان، ظـالم، فراموشـکار و تابـع هـوی و هـوس شـده انـد. بـا بوجـود آمـدن هـرج و مـرج و از بیـن رفـتن امنیـت جـان و مـال، مـی تـوان آنـرا قیامـت اجتماعـی نـام نهـاد.

بجـز قوانیـن اللـه(ﷻ) بـه مرجـع دیگـری پنـاه بـردن و یـا خـود را مسـئول وضـع قوانیـن و احـکام نمـودن بـدان معناسـت کـه بجـز اللـه(ﷻ) بـرای خـود پـروردگار دیگـری قرار داده اسـت.

واضـح تریـن مثـال بـرای ایـن قضیـه ایـن اسـت کـه؛ انسـانها احـکام اللـه(ﷻ)را تغییـر داده و در آنهـا دخـل و تـصرف مـی کننـد و حـرام اللـه(ﷻ) را حـلال و حـلال اللـه(ﷻ) را حـرام مـی کننـد. بسـان عالمـان دینـی اهـل کتـاب کـه بـر حسـب زندگـی و وضعیـت مـردم احـکام اللـه(ﷻ) را تغییـر مـی دهنـد. اللـه(ﷻ) در ایـن بـاره مـی فرماینـد:

"یهودیـان و ترسـایان عـلاوه از اللـه(ﷻ)، علـماء دینـي و پارسـایان خود را هـم بـه خـدائي پذيرفتـه انـد (چـرا کـه علـماء و پارسـایان، حـلال اللـه(ﷻ) را حــرام، و حــرام اللــه(ﷻ) را حــلال ميكننــد، و خودسرانــه قانونگــذاري مينماينـد، و ديگـران هـم از ايشـان فرمـان ميبرنـد و سـخنان آنـان را ديـن ميداننـد و كوركورانـه بـه دنبالشـان روان ميگردنـد. ترسـايان افـزون بـر



آن) مسیح پسر مریم را نیز الله(ﷻ) میشمارند. (در صورتي كه در همه كتابهاي آسماني و از سوي همه پيغمبران الهي) بديشان جز اين دستور دادهـ نشدهـ است كه: تنها پروردگار يگانه را بپرستند و بس. جز الله(ﷻ)معبودي نيست و او پاك و منزّه از شركورزي و چيزهائي است كه ايشان آنها را انباز قرار ميدهند." [9] [10]

ج. توحید اسماء و صفات: بایستی چنانکه الله(ﷻ) در قران و سنت خود را به بندگان معرفی نموده است، الله(ﷻ)را شناخت و الله(ﷻ) را در صفات به یگانه شناخت.

الله(ﷻ) قابل دیدن نست. دیدن و درک الله(ﷻ) بوسیله عقل غیرممکن است. وتنها راه شناخت الله(ﷻ) در قران و سنت بیان شده است و بایستی بدان ایمان آورد و تسلیم شد.

به همه صفات بیان شده در قران و سنت ایمان آورده وآنها را مقیّد به عقل نساخته و در راه گمراهی تاویل و تحریف قدم نگذاشته وآنچه را از صفات که باعقل همخوانی و سازگاری ندارد را انکار نمی کنیم.

" الله(ﷻ) مهرباني (قرآن را فرو فرستاده) است كه بر تخت سلطنت (مجموعه جهان هستي) قرار گرفته است (و قدرتش سراسر كائنات را احاطه كرده است)." [11]

"(برخي از) يهوديان ميگويند: دست الله(ﷻ)به غل و زنجير بسته است! (و بخل او را از عطاء و بخشش به ما گسسته است!). دستهايشان

۹. توبه ۳۱

۱۰. می توانید به بحث توحید ربوبیت در کتاب درسهای عقیده، یا به درسهای صوتی در این باره مراجعه نمایید.

۱۱. طه ۵



بسته باد! و به سبب آنچه میگویند نفرینشان باد. بلکه دو دست الله(ﷻ) باز (و او جواد و بخشنده است)، هرگونه که بخواهد میبخشد. (به سبب تنگچشمي و کینه توزي) آنچه از سوي پروردگارت بر تو نازل میشود (که آیات قرآن مجید است) بر سرکشي و کفرورزي بسیاري از آنان میافزاید. ما در میان (طوائف مختلف) آنان تا روز قیامت دشمني و کینه توزي افکنده ایم. آنان هر زمان که آتش جنگي (علیه پیغمبر و مؤمنان) افروخته باشند، الله(ﷻ) آن را (با شکست ایشان و پیروزي پیغمبر و مؤمنان) خاموش ساخته است. آنان به خاطر ایجاد فساد در زمین میکوشند (و با نیرنگ بازي و فتنه گري و جنگ افروزي در پخش فساد میجوشند. آنان مفسدند) و الله(ﷻ) مفسدان و تباهکاران را دوست نمیدارد.» [۱۲]

«... الله(ﷻ) بر ایشان خشمگین میگردد، و آنان را نفرین میکند (و از رحمت خود محروم میسازد) و دوزخ را براي ایشان آماده ساخته است، و دوزخ چه جایگاه نهائي بدي است!» [۱۳]

«تا اهل کتاب بدانند که (اگر به محمد ایمان نیاورند) هیچ سهمي از فضل و عطاء الهي ندارند، و این که فضل و عطاء در دست الله(ﷻ) است، و آن را به هر کس که بخواهد مرحمت میکند، و الله(ﷻ) داراي فضل و عطاء فراوان و بزرگ است.» [۱۴]

«در اصل دست الله(ﷻ)بالاي دست آنان است» [۱۵]

به این آیات ایمان می آوریم ومعنایی را که کلمات بدان دلالت

---

۱۲. مایده ۶۴

۱۳. فتح ۶

۱۴. حدید ۲۹

۱۵. فتح ۱۰



می کند راتصدیق می کنیم. وآنچنان که صفات شایسته الله(ﷻ)است باور داشته و باور داریم که عقل انسانها از درک ماهیّت و کیفیّت این صفات عاجز است. کمال مطلق از آن الله(ﷻ) است وباور داریم که خداوند از هر گونه عیب و نقصی منزّه است.

"...او آفریننده آسمانها و زمین است. او شما را به صورت مرد و زن، و چهارپایان را به شكل نر و ماده درآورده است و بدین وسیله بر آفرینش شما (انسانها و تولید و تكثیر نسل حیوانها) مي افزاید. هیچ چیزي همانند الله(ﷻ) نیست و او شنوا و بینا است." [١٦]

"...و كسي همتا و همگون او نمیباشد." [١٧]

"...بالاترین وصف، در آسمانها و زمین متعلّق به الله(ﷻ) است، و او بسیار باعزّت و اقتدار، و سنجیده و كار بجا است" [١٨]

مقایسه نمودن برخی از صفات الله(ﷻ) با صفات بندگان را رد می کنیم، این رسم و عادت یهودیها است. الله(ﷻ) چنین می فرمایند:

"كیست كه به الله(ﷻ)قرض نیكوئي دهد تا آن را براي او چندین برابر كند؟ و الله(ﷻ) (روزيِ بندگان را) محدود و گسترده میسازد و به سوي او بازگردانده میشوید." [١٩]

زمانی که یهودیها این آیه را شنیدند اعتراض کردند و گفتند: مگر الله(ﷻ) فقیر است که از ما قرض می خواهد؟و الله(ﷻ) چنین جواب

---

١۶. شوری ١١

١٧. اخلاص ۴

١٨. روم ٢٧

١٩. بقره ٢۴۵



آنها را داد:

"(با وجود این که ملك آسمانها و زمين از آن او است و همه چيز را هم به ارث ميبرد، برخي از يهوديان از روي ريشخند گفتند: اي محمّد! خداي تو فقير است و از ما درخواست قرض ميكند! بگو:) بيگمان الله(ﷻ) سخن كساني را شنيد كه گفتند: خدا فقير است و ما بينيازيم! آنچه را گفتند (بر ايشان) خواهيم نوشت، و به قتل رساندن پيامبران را به ناحق (توسّط گذشتگان) ايشان (هم ثبت و ضبط خواهد شد) و بدانان خواهيم گفت: بچشيد عذاب (آتش) سوزان را." [20]

یهودیها این رسوم و عادات را با توجه به تاثیر فیلسوفها و سخنورانی که دست به تحریف اسلام زده بودند و از عقل فیلتری برای ارزیابی درستی یا نادرستی آیات زده بودند گرفته بودند و برخیها این صفات را انکار می کردند در نتنیجه گمراه و کافر شدند و برخی دیگر هم برای تاویل نمودن این صفات عقل خود را خسته می کردند و معناهایی را که با عقلشان سازگاری نداشت را تاویل می نمودند و از راه سنت خارج گشته و اهل بدعت گشتند.[21]

٤. تنها با ادعای فردی که خود را به دین نسبت میدهد، نمی توان ویرا به آن دین منتسب ساخت. **اگر شخصی خود را به یک دین نسبت دهد، تنها بخاطر ادعا و منتسب نمودن خود بدان دین، ایمان و عمل به اساس آن دین، تا زمانی که در قید حیات است بر او فرض خواهد گشت.**

یهودیها، مسیحیها و مشرکان مکه نیز خود را به دین ابراهیم (علیه

---

۲۰. آل عمران ۱۸۱

۲۱. برای کسب معلومات بیشتر در این رابطه می توان به کتاب درسهای عقیده و یا بحثهای صوتی پخش شده در انترنت مراجعه نمایید.



السلام) نسبت می دادند. اما چکیده دین وملت ابراهیم در آنها نبود وآنها خارج از ادعایی بودند که اذعان می کردند.

"ابراهيم نه يهودي بود و نه مسيحي، وليكن (از اديان باطله بيزار و منصرف و) بر (دين) حق و منقاد (فرمان) الله(ﷻ) بود، و از زمره مشركان (و كافراني چون قريش و همگنان ايشان) نبود. سزاوارترين مردم (براي انتساب) به ابراهيم (و دين او) كساني هستند كه (در زمان ابراهيم دعوت او را اجابت كردند و) از او پيروي نمودند و نيز اين پيغمبر (محمّد) و كساني اند كه ايمان آوردهِ اند (زيرا محمّد و يارانش اهل توحيد خالصند كه دين ابراهيم است) و الله(ﷻ) سرپرست و ياور مؤمنان است" [۲۲]

۵. اصل دین اسلام؛ بر کلمه توحید بنا شده است و دعوت همه پیامبران از آدم (علیه السلام) تا خاتم(ﷺ) برای این کلمه بوده است.

"ما پيش از تو هيچ پيغمبري را نفرستادهايم، مگر اين كه به او وحي كردهِ ايم كه: معبودي جز من نيست، پس فقط مرا پرستش كنيد." [۲۳]

اگر به دعوت پیامبران و چگونگی دعوت آنها به قومشان نگاه کنید متوجه چکیده و مضمون اسلام خواهید شد.

"ما به ميان هر ملّتي پيغمبري را فرستادهِ ايم (و محتواي دعوت همه پيغمبران اين بودهِ است) كه الله(ﷻ)را بپرستيد و از طاغوت (شيطان، بتان، ستمگران، و غيره) دوري كنيد. الله(ﷻ) گروهي از مردمان را هدايت داد، و گروهي از ايشان (بر اثر كردار ناشايست) گمراهي بر آنان واجب گرديد (و سرگشتگي به دامانشان چسبيد) پس (اگر در اين

۲۲. آل عمران ۶۸-۶۷

۲۳. انبیاء ۲۵



بـاره در شـكّ و ترديديـد، برويـد) در زمـين گـردش كنيـد و (آثـار گذشـتگان را بـر صفحـه روزگار) بنگريـد و ببينيـد كـه سرانجـام كار كسـاني (كـه آيـات اللـه(ﷻ)را) تكذيـب كردهانـد بـه كجـا كشـيدهـ اسـت.» [٢٤]

«(اي پيغمبر!) بـراي تكذيبكننـدگان معاصر بيان كن گوشـه اي از داسـتان ابراهيـم را. وقتـي ابراهيـم بـه پـدر و قـوم خـود گفـت: مـن از معبودهائي كه ميپرسـتيد بيـزارم. بجـز آن معبـودي كـه مـرا آفريـدهـ اسـت. (او را خواهـم پرسـتيد) چـرا كـه او مـرا (بـه راهـ حـق) رهنمـود خواهـد كـرد. ابراهيـم توحيـد را بـه عنـوان شـعار يكتاپرسـتي در ميـان قـوم خـود باقـي گذاشـت، تـا ايـن كـه ايشـان (بـدان ايمـان آوردهـ و) برگردنـد.» [٢٥]

«اجبـار و اكراهـي در (قبـول) ديـن نيسـت، چـرا كـه هدايـت و كـمال از گمراهـي و ضـلال مشـخّص شـدهـ اسـت، بنابرايـن كسـي كـه از طاغـوت (شـيطان و بتهـا و معبودهـاي پوشـالي و هـر موجـودي كـه بـر عقـل بشـورد و آن را از حـق منـصرف كنـد) نافرمـاني كنـد و بـه اللـه(ﷻ) ايمـان بيـاورد، بـه محكمتريـن دسـتاويز درآويختـه اسـت اصـلاً گسسـتن نـدارد. و اللـه(ﷻ) شـنوا و دانـا اسـت.» [٢٦]

در حديـث مشـهور پيامـبر چنيـن مـی فرمايـد: "اسـلام يعنـی؛ شـهادت مـی دهـم بجـز اللـه(ﷻ)، پـروردگار ديگـری وجـود نـدارد و محمـد (ﷺ) فرسـتاده الله(ﷻ)اسـت، خوانـدن نماز، گرفـتن روزه مـاه رمضـان ودر صـورت توانايـی حـج بجـای آوردن اسـت.» [٢٧]

در روايتـی ديگـر چنيـن آمـده اسـت؛ «...اسـلام يعنـی؛ تنهـا اللـه(ﷻ) را

٢٤. نحل ٣۶

٢۵. زخرف ٢٨-٢۶

٢۶. بقره ٢۵۶

٢٧. مسلم ٨



عبادت نمودن و برای الله(ﷻ) شریک و همتا قرار ندادن، نماز خواندن و...." [28]

همچنان در روایتی شبیه به اینها دیده می شود که؛ "اسلام بر پنج اساس بنا شده است؛ شهادت دادن که بجز الله(ﷻ)، پروردگار دیگری وجود ندارد و محمد (ﷺ) بنده و فرستاده الله(ﷻ) است. خواندن نماز و..." [29]

برمبنای روایتهای دیگر حدیث چنین است؛

"اسلام بر پنج اساس بنا شده است و یگانه دانستن الله(ﷻ)..." [30]

"اسلام بر پنچ اساس بنا شده است، الله(ﷻ) را عبادت نمودن و بجز عبادت الله(ﷻ) عبادت هر چیز دیگری را رد نمودن" [31]

این احادیث بصورتهای دیگری نیز آمده است. اما وقتی که ما همه را مورد بحث قرار میدهیم می فهمیم که؛ دین همه پیامبران و تنها دین مقبول نزد الله(ﷻ)اسلام است و شامل این موارد می شود:

آ. تنها الله(ﷻ) را عبادت نمودن.

ب. هیچ چیز را با الله(ﷻ) شریک نساختن.

ج. انکار نمودن همه طاغوتهایی که بجای الله(ﷻ)عبادت می شوند.

چنانکه انسان این اساس را بجای نیاورند تنها با ادعا نمودن به سمبل اسلام (کلمه توحید) فایده ای نخواهند برد.

---

۲۸. بخاری ۵۰

۲۹. بخاری ۸، مسلم ۱۹

۳۰. مسلم

۳۱. مسلم



٦. سوره ای که همه اساس را در خود جای داده است سوره کافرون است.

"بگو: اي كافران! لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُو شما نیز نمیپرستید آنچه را که من میپرستم. همچنین نه من به گونه شما پرستش را انجام میدهم. و نه شما به گونه من پرستش را انجام میدهید آئین خودتان براي خودتان، و آئین خودم براي خودم!." ۳۲

همراه با پیامبر در راهی همسفر شدیم پیامبر نسبت به فردی که سوره کافرون را تلاوت می نمود فرمود: "این شخص بیزاری خود را از شرک بیان نمود." 33

پیامبر پرسید: "چه چیز شما را به اینجا آورده است؟من هم جواب دادم: چیزی را به من بیاموزید که هنگام به بستر رفتن آنرا بخوانم! پیامبر فرمودند: زمانی که به بستر رفتید سوره کافرن را بخوانید وبخوابید که در حقیقت مضمون آن برائت از شرک است." ۳٤

سوره کافرون، بیزاری از شرک است. بیزاری از شرک نقطه ورود به اسلام است وشرط برای ماندن در دایره اسلام داشتن ایمانی خالی از شرک است.

"کساني که ايمان آوردہ باشند و ايمان خود را با شرك نياميخته باشند، امن و امان ایشان را سزا است، و آنان راه یافتگان (راه حق و حقیقت) هستند." ۳٥

"به تو و به يكايك پيغمبران پيش از تو وحي شده است که اگر شرک بورزی کردارت (باطل و بیپاداش میگردد و) هیچ و نابود میشود،

---

۳۲. کافرون ۶-۱

۳۳. مسند ۱۶۶۰۵

۳۴. ابوداود ۵۰۵۵، ترمزی ۳۴۰۳

۳۵. انعام ۸۲



و از زیانکاران خواهي بود.» [۳٦]

در سوره کافرون که سمبل بیزاری از شرک است حاوی این بندها است:

- کافر نمودن مشرکان

- رد نمودن چیزهایی که مشرکان بعنوان اله قبول نموده وباطل دانستن عبادت مشرکان.

- اعلام نمودن اینکه اله باطل آنها را عبادت نمی کنیم.

۷. حکمرانی تنها ازآن الله(ﷻ) است. آفریننده، روزی دهنده ومالک مُلک الله(ﷻ) است. وضع قوانین وتعیین کننده حرام و حلال تنها مربوط به الله(ﷻ) است و حکمرانی وسلطنت بدون قید و شرط ازآن اوست.

موضوع حاکمیّت از آن الله(ﷻ) است بر چهار اصل بنا شده است؛

آ. اعتقاد داشتن بر این اصل که حاکمیّت ازآن الله(ﷻ) است.

»فرمانروائي از آن الله(ﷻ)است و بس. (این، او است که بر کائنات حکومت میکند و از جمله عقائد و عبادات را وضع مینماید) الله(ﷻ) دستور دادە است که جز او را نپرستید. این است دین راست و ثابت. (که ادلّه و براهین عقلي و نقلي بر صدق آن رهبرند) ولي بیشتر مردم نمیدانند.» [۳۷]

»و در فرماندهي و قضاوت خود کسي را انباز نمیگرداند.» [۳۸]

---

۳۶. زمر ٦۵

۳۷. یوسف ۴۰

۳۸. کهف ۲٦



"آگاه باشید که تنها او مي آفریند و تنها او فرمان میدهد" [39]

ب. در قضیه مدیریت، نمایندگان وفرمانروایان نیز بایستی به احکام الله(جَلَّ جَلالُه) حکم کنند.

"اي داود! ما تو را در زمین نماینده (خود) ساخته ایم (و بر جاي پیغمبران پیشین نشاندهایم) پس در میان مردم به حق داوري کن و از هواي نفس پیروي مکن که تو را از راه الله(جَلَّ جَلالُه) منحرف میسازد. بیگمان کساني که از راه الله(جَلَّ جَلالُه) منحرف میگردند عذاب سختي به خاطر فراموش کردن روز حساب و کتاب (قیامت) دارند." [40]

"ما تورات را (بر موسي) نازل کردیم که در آن رهنمودي (به سوي حق) و نور بود. پیغمبراني که تسلیم فرمان الله(جَلَّ جَلالُه) بودند بدان براي یهودیان حکم میکردند، و نیز خداپرستان و دانشمنداني بدان حکم میکردند که امانتداران و پاسداران کتاب الله(جَلَّ جَلالُه) بودند. پس (اي علماء یهودیان، و شما اي مؤمنان!) از مردم نهراسید و بلکه از من بهراسید و آیات مرا به بهاي ناچیز (دنیا، همچون رشوه و جاه و مقام) نفروشید و (بدانید که) هرکس برابر آن چیزي حکم نکند که الله(جَلَّ جَلالُه) نازل کرده است (و قصد توهین به احکام الهي را داشته باشد) او و امثال او بیگمان کافرند." [41]

"و (به تو اي پیغمبر فرمان میدهیم به این که) در میان آنان طبق چیزي حکم کن که الله(جَلَّ جَلالُه) بر تو نازل کرده است، و از امیال و آرزوهاي ایشان پیروي مکن، و از آنان برحذر باش که (با کذب و حقپوشي و خیانت و غرضورزي) تو را از برخي چیزهائي که الله(جَلَّ جَلالُه)بر

---

۳۹. اعراف ۵۴

۴۰. ص ۲۶

۴۱. مایده ۴۴



تو نازل کردہ است به دور و منحرف نکنند (و احکامي را پايمال هوي و هوس باطل خود نسازند). پس اگر پشت کردند، بدان کهالله(ﷻ) ميخواهد به سبب پارہ اي از گناهانشان ايشان را دچار بلا و مصيبت سازد (و به عذاب دنيوي، پيش از عذاب اخروي گرفتار کند). بيگمان بسياري از مردم (از احکام شريعت) سرپيچي و تمرّد ميکنند (و از حدود قوانين الهي تخطّي مينمايند). آيا (آن فاسقان از پذيرش حکم تو بر طبق آنچه الله(ﷻ) نازل کردہ است سرپيچي ميکنند و) جوياي حکم جاهليّت (ناشي از هوي و هوس) هستند؟ آيا چه کسي براي افراد معتقد بهتر از الله(ﷻ)حکم ميکند؟" [42]

ج. ملت، مردم نیز بایستی حکمرانی را تنها به الله(ﷻ) بدهند.

"شايد آنان انبازها و معبودهائي دارند که براي ايشان ديني را پديد آوردہاند که الله(ﷻ)بدان اجازہ ندادہ است." [43]

"(اي پيغمبر! بديشان بگو: اين داوري الله(ﷻ)دربارہ حق و حقيقت است) آيا جز الله(ﷻ) را (ميان خود و شما) قاضي کنم؟ و حال آن که او است که کتاب (آسماني قرآن) را براي شما نازل کردہ است و (حلال و حرام و حق و باطل و هدايت و ضلالت، در آن) تفصيل و توضيح شدہ است. کساني که کتاب (هاي آسماني را پيشتر) براي آنان فرستادہ ايم ميدانند که اين (قرآن) حقيقه از سوي الله(ﷻ)آمدہ است و مشتمل بر حق است (چرا که کتابهاي آسماني خودشان بدان بشارت دادہ است و تصديق کنندہ آن است). پس تو از ترديدکنندگان مباش (و پيروان تو نيز دربارہ حقّانيّت قرآن کمترين ترديدي به خود راہ ندهند). فرمان پروردگار تو صادقانه و دادگرانه انجام ميپذيرد. هيچ

۴۲. مایده ۵۰-۴۹

۴۳. شوری ۲۱



كسي نميتواند فرمانهاي او را دگرگون كند (و جلو دستورات او را بگيرد). الله(ﷻ)شنوا و دانا است." [٤٤]

"از گوشت حيواني نخوريد كه (به هنگام ذبح عمداً) نام الله(ﷻ) بر آن برده نشده است. چرا كه خوردن از چنين گوشتي، نافرماني است. بيگمان اهريمنان و شياطين صفتان، مطالب وسوسه انگيزي به طور مخفيانه به دوستان خود القاء ميكنند تا اين كه با شما منازعه و مجادله كنند. اگر از آنان اطاعت كنيد بيگمان شما (مثل ايشان) مشرك خواهيد بود." [٤٥] [٤٦]

"يهوديان و ترسايان علاوه از پ، علماء ديني و پارسايان خود را هم به خدائي پذيرفته اند (چرا كه علماء و پارسايان، حلال الله(ﷻ)را حرام، و حرام الله(ﷻ)را حلال ميكنند، و خودسرانه قانونگذاري مينمايند، و ديگران هم از ايشان فرمان ميبرند و سخنان آنان را دين ميدانند و كوركورانه به دنبالشان روان ميگردند. ترسايان افزون بر آن) مسيح پسر مريم را نيز الله(ﷻ)ميشمارند. (در صورتي كه در همه كتابهاي آسماني و از سوي همه پيغمبران الهي) بديشان جز اين دستور داده نشده است كه: تنها پروردگار يگانه را بپرستند و بس. جز الله(ﷻ) معبودي نيست و او پاك و منزّه از شركورزي و چيزهائي است كه ايشان آنها را

---

۴۴. انعام ۱۱۵-۱۱۴

۴۵. انعام ۱۲۱

۴۶. ابـن عباس (رضـی اللـه عنـه) در مـورد سـبب نـزول ايـن آيـه چنيـن مـی گويـد کـه؛ وقتـی کـه ايـن آيـه نـازل گشـت (از گوشـت حيـواني نخوريـد كـه (بـه هنـگام ذبـح عمـداً) نـام اللـه(ﷻ) بـر آن بـرده نشـده اسـت...) ايرانيهـا و قريشـيها چنيـن خبـر دادنـد کـه؛ بـا محمـد (ﷺ) بـه مناقشـه بپردازيـد و بـه او بگوييـد: ای محمـد(ﷺ) بـا دسـتتان چيـزی را سر مـی بريـد حـلال اسـت امـا چيـزی را کـه اللـه(ﷻ) بوسـيله تقديـر آنـرا سر بريـده اسـت حـرام اسـت؟ودر جـواب ايـن آيـه نـازل گشـت (بيگـمان اهريمنـان و شـياطين صفتـان، مطالـب وسوسـهانگيزي بـه طـور مخفيانـه بـه دوسـتان خـود القـاء ميكننـد تـا ايـن كـه بـا شـما منازعـه و مجادلـه كننـد (و بکوشـند کـه شـما را بـه تحريـم آنچـه خـدا حـلال کـرده اسـت وادارنـد). اگـر از آنـان اطاعـت كنيـد بيگـمان شـما (مثـل ايشـان) مـشرك خواهيـد بـود) ابـن کثيـر (رحمـه اللـه)



انباز قرار میدهند." [47] [48]

د. مراجعه ندادن قضاوت و دادگاهی به دادگاههایی که به احکام الله(ﷻ) حکم نمی کنند.

"(اي پيغمبر!) آيا تعجّب نميكني از كساني كه ميگويند كه آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پيش از تو نازل شده ايمان دارند (ولي با وجود تصديق كتابهاي آسماني، به هنگام اختلاف) ميخواهند داوري را به پيش طاغوت ببرند (و حكم او را به جاي حكم خدا بپذيرند؟!). و حال آن كه بديشان فرمان داده شده است كه به طاغوت ايمان نداشته باشند. و اهريمن ميخواهد كه ايشان را بسي گمراه (و از راه حق و حقيقت بدر) كند." [49] [50]

۸. چنانچه دولتی بر مبنای احکام الله(ﷻ) حکم نکند آن دولت یک طاغوت است واحزاب و پارتیهای موجود در آن نیز طاغوت هستند. برای اینکه بر راه اسلام باشید بایستی که؛ باور داشت که آنها کافر هستند وآنها را انکار نمود و از راه طاغوت گشته آنها و مدیرانشان بیزاری جست.

فرمانروایان و احزابی که دمکراسی و سکولاریزم را می پسندند و

۴۷. توبه ۳۱

۴۸. امام احمد، ترمزی وابن جریر روایتهای مختلفی را در این باره بیان می کنند. عُدی بن حاتم وقتی که خبر دعوت رسول الله(ﷺ) را شنید از شام به مدینه آمد. او در دوران جاهلیّت مسیحی بود. خواهر و یکعده از قومش اسیر شدند وپیامبر بدیشان خوبی نمود وبه او هدیه هایی دادوزمانی که دختر نزد برادرش برگشت برادرش را تشویق نمود که برای اسلام آوردن پیش پیامبر برود. عُدی به مدینه آمد پدر او حاتم طایی ریس قبیله طایی بود و در سخاوت مشهور بود. عُدی در حالی که صلیبی از نقره برگردن داشت پیش پیامبر آمد. پیامبر آیه ۳۱ سوره توبه را خواند وعدی گفت: در حقیقت ما آنها را عبادت نمی کنیم، پیامبر فرمود: عالمان شما حرام الله(ﷻ) را حلال و حلال الله(ﷻ) را حرام می کنندومردم از آنها پیروی می کنند. پس در اینصورت مردم عالمان را عبادت می کنند. ابن کثیر (رحمه الله)

۴۹. نساء ۶۰

۵۰. برای کسب معلومات بیشتر به درسهای صوتی بخش شده مراجعه نمایید.



همـگام بـا دمکراسـی بـه مـوازات جنبشـهای اسـلامی حرکـت مـی کننـد وادعـا مـی کننـد کـه دمکراسـی را تنهـا بعنـوان وسـیله ای بـرای خدمـت بـه دیـن بـکار مـی برنـد. بسـان ایـن اسـت بخواهیـد نجاسـت را بـا نجاسـت تمیزنماییـد. بـا ایجـاد طاغـوت و بـرای اللـه(ﷻ) شریـک قـرار دادن، نمـی تـوان بـه دیـن اللـه(ﷻ) خدمـت نمـود.

۹. "حاکمیّت بـدون قیـدو بند بـرای ملـت است" ایـن اولیـن اصـل و شـعار دمکراسـی اسـت و دمکراسـی یـک دیـن سـاخته دسـت بـشر اسـت.

همچنـان کـه هـر دیـن یکعـدّه عبـادات وفهم دینـی مخصوصـی دارد، در دیـن دمکراسـی نیـز عباداتـی وجـود دارد و عبـادت آن شرکـت در انتخابـات اسـت! بـا رای دادن، بـرای الله(ﷻ)شریـک قـرار داده و وارد دیـن دمکراسـی میشوید.

آیـات بیـان شـده در مـورد انتخابـات ورای دادن خیلـی واضـح وآشـکار بر ایـن قضیـه دلالـت مـی کنـد وماهیّـت سیسـتم دمکراسـی را بیـان مـی کنـد و لازمـه آگاهـی و دانسـتن تضـاد سیسـتم و قانـون دمکراسـی بـا اسـلام از طـرف هـر مسـلمانی بهتریـن شـاهد بـر ایـن موضـوع اسـت. کسـانی کـه مـی گوینـد ایـن مسـاله یـک قضیـه مبهـم اسـت و انسـانهایی کـه بـرای اللـه(ﷻ) شریـک قـرار مـی دهنـد را مسـلمان مـی پندارنـد، در اصـل بـه گمراهـی بزرگـی گرفتـار گشـته انـد.

۱۰. هرسیسـتم طاغوتـی بـرای بـه بردگـی و بندگـی کشـیدن انسـانها پـلان (روش) مخصوصـی قـرار مـی دهد.

ایـن پلانهـا سـبب میشـود کـه نسـلهای بعـدی کفـر و شرک را دوسـت داشـته باشـند. ایـن نسـلها گونـه گونـه انـد. کسـانی کـه ایدئولـوژی کفـر و شرک را مـی پسـندند، داوطلبانـه ماننـد کسـانی خواهنـد شـد کـه بندگـی ایـن ایدئولـوژی را بجـای مـی آورنـد، همچنانکـه در زمـره کسـانی کـه خـود را بـه



موسی نسبت می دادند، کسانی بودند که برده فرعون شده بودند. اما گروه دوم از همه خطرناکتر است، که با وجود نسبت دادن خود به موسی از فرمان الله(جَلَّ جَلَالُهُ) سرپیچی می کردند وبه شرک و بدی تمایل نموده و پیامبران را بقتل می رساندند و از انسانهایی بودند که آیات الله(جَلَّ جَلَالُهُ) را انکار و دروغ می پنداشتند. قران که قصه بنی اسراییل را بیان میدارد بیش از همه چیز به این خصلت آنها تتاکید می کند.

امروزه مدارس مکانی شده برای به بردگی کشیدن انسانها. امروزه طاغوتان آموزش و برنامه تحصیلی را جهت رسیدن به مقاصد خود منظور می کنند وبصورت واضح آنرا بیان می کنند.

قانون ملی آموزش و پرورش (مادّه ۲)؛ هدف کلی ازآموزش وپرورش ملی در ترکیه این است که؛ تک تک ملت ترک وابستگی و همبستگی خود را با قانون اساسی ملت پرستی (ناسیونالیزم) اتاتورک حفظ و پیوند نماید وملت ترک اخلاق، معنویات و فرهنگ خود را ارزش نهاده و آنرا بهبود و حفاظت نماید. خانواده، وطن وملّت خود را دوست داشته و در جهت برتری آن بر دیگر اقوام همت نماید. وهر فرد حقوق انسانی و وظیفه و مسئولیتهای خود را بر مبنای اصول قانون اساسی ناسیونالیزم، دمکراسی، سکولاریزم و کومونیستی بداند.

اهداف آموزش عمومی ملی (مادّه۵)؛ مطابقت با اصول، قبول اصلاحات و انقلاب اتاتورک از جانب دانش آموزان از اهداف آموزش و پرورش ملی است،احترام نهادن به قانون اساسی ترکیه و اصول دمکراسی...احترام نهادن به حقوق انسانها و کودکان...وبدست آوردن و پایبند نمودن افراد است.

شرک و طاغوت برای به بردگی کشیدن انسانها یک روش منسجم را برانسان تحمیل می کند که این سازمانها و مدارس متناقض با اسلام



اسـت. کسـانی کـه کودکانشـان در ایـن سـازمانها ومـدارس هسـتند، ادعـا مـی کننـد کـه آنهـا کودکانشـان را از مسـایل حـرام برحـذر و دور مـی کننـد. هرچنـد چنیـن ادعایـی دروغـی بیـش نیسـت و بسـان آن اسـت کـه شـخص بـه باطـلاق بیفتـد و ادعـا نمایـد کـه گل آلـود نشـده اسـت. زیـرا کـودک در مـدارس و سـازمانها از معلـم و دانـش آمـوزان چیزهایـی را یـاد مـی گیـرد و هنـگام برگشـتن بـه خانـه از پـدر و مـادر و نزدیـکان چیزهایـی متناقـض بـا مدرسـه مـی آمـوزد و مـی شـنود، در نهایـت دورو، منافـق ودروغگـو مـی شـود و در هـر موقعیتـی بـا دروغ گفـتن بـرای فـرار از موقعیـت دلیلـی خواهـد آورد و بدیـن صـورت اخـلاق قـوم بنـی اسراییـل را بخـود مـی گیـرد.

باوجـود عمـل منسـجم مـدارس در زمینـه؛ شرک قولـی عملـی و اعتقـادی بازهـم اولیـاء فرزنـدان خـود را بدسـت ایـن سـازمانها میسـپارند تـا جایـی کـه ارتبـاط آنهـا بـا اسـلام گسسـته اسـت.[۵۱]

۱۱. قبولـی ایـمان مومنـان مـشروط بـر دوسـت داشـتن اللـه(ﷻ)، پیامـبر و مومنـان اسـت.

"تنها الله(ﷻ)و پيغمبر او و مؤمناني ياور و دوسـت شـمايند كه خاشـعانه و خاضعانـه نمـاز را بـه جـاي مي آورند و زكات مال بـه در ميكنند." [۵۲]

مومنـان دشـمنان اللـه(ﷻ)، پخـش کننـدگان شرک و فسـاد در زمیـن، لغوکننـدگان اسـلام و کسـانی را کـه بـا اسـلام مـی جنگنـد را بدوسـتی نمی گیرند. دوستی با چنین اشخاصی ایمان را از بین می برد.

"اي مؤمنـان! يهوديـان و مسـيحيان را بـه دوسـتي نگيريـد (و بـه طريـق اوّلي آنـان را بـه سرپرسـتي نپذيريـد). ايشـان برخـي دوسـت برخـي ديگرنـد

۵۱. جهـت آگاهـی بیشـتربه کتابهـا و بحثهـای بیـان شـده در ایـن بـاره از جانـب جماعـت مراجعـه نماییـد.

۵۲. مائده ۵۵



(و در دشمني با شما يكسان و برابرند). هركس از شما با ايشان دوستي ورزد (و آنان را به سرپرستي بپذيرد) بيگمان او از زمره ايشان بشمار است. و شكّ نيست كه الله(ﷻ) افراد ستمگر را (به سوي ايمان) هدايت نميكند." [53]

"بسياري از آنان را ميبيني كه كافران را به دوستي ميپذيرند (و با مشركان براي نبرد با اسلام همدست ميشوند. با اين كار زشت) چه توشه بدي براي خود پيشاپيش (به آخرت) ميفرستند! توشه اي كه موجب خشم الله(ﷻ) و جاودانه در عذاب (دوزخ) ماندن است. اگر آنان به الله(ﷻ)و پيغمبر (اسلام) و آنچه بر او (از قرآن) نازل شده است، ايمان مي آوردند، (به سبب ايمان راستين هرگز) كافران را به دوستي نميگرفتند. ولي بسياري از آنان فاسق و از دين خارجند." [54]

ولی (دوست) به معنای؛ نزدیکی، پیروی کردن، همکاری نمودن، عشق و نظیر این معناها می آید. امروزه با اسلام و احکام خالص آن یک جنگ وجود دارد. با الله(ﷻ) اعلان جنگ نموده و بوسیله سیستم سربازی لشکری از انسانها راسرباز و پلیس نموده اند و با خدمت اجباری در حقیقت با طاغوتان و کسانی که با اسلام اعلان جنگ نموده اند دوستی می کنند و ارتباط خود را با ایمان گسسته اند.

۱۲. نگاهی به ماده های موجود:

حقیقت جامعه ای که ما در آن زندگی می کنیم چنین است که؛ طاغوت را نمی شناسندوبر همین اساس طاغوت را انکار نمی کنند. وهر نوع شرکی را مرتکب می شوند. این اجتماع، جامعه ای است که از اسلام دور گشته اند!

---

۵۳. مائده ۵۱

۵۴. مائده ۸۱-۸۰



خـود را بـه اسـلام نسـبت دادن، بزبـان آوردن کلمـه توحیـد، اقامـه اذان و خوانـدن نمـاز و انجـام دادن چنیـن اعمالـی در اسـلام هیـچ تاثیـری در حکـم ایـن جامعـه نـدارد. اینهـا کسـانی هسـتند کـه از حقیقـت اسـلام بـی خـبر و همـگام بـا ایـن اعـمال هـر گونـه شرک و کفـری را مرتکـب مـی شـوند. ایـن جامعـه کـه خـود را بـه محمـد (ﷺ) نسـبت مـی دهنـد، بسـان یهودیهـا و مسـیحیها و مـشرکان مکـه هسـتند، کـه خـود را بـه دیـن ابراهیـم (علیـه السـلام) نسـبت میدادنـد، امـا ایـن ادعـای آنهاقابـل قبـول و پذیرفتنـی نبـود.

جامعـه ای کـه بـر شرک رشـد و نمـو یافتـه اسـت، باوجـود اینکـه خـود را بـه پیامـبران قبلـی هـم نسـبت دهنـد بازهـم جامعـه ای مـشرک اسـت.

۱۳. نشـانه هـای اسـلام؛ علایمـی هسـتند کـه مخصـوص بـه دیـن اسـلام اسـت و بـا انجـام آن اسـلام و مسـلمانان را از دیگـر ادیـان جـدا مـی سـازد. اگـر ایـن نشـانه هـا را در یـک شـخص مشـاهده کنیـد و حتـی اگـر حقیقـت آن شـخص را هـم ندانیـد بـا او بعنـوان یـک مسـلمان تعامـل مـی شـود.

نشـانه هـای اسـلام برحسـب زمـان و مـکان قابـل تغییـر هسـتند. هـر زمـان کـه مسـلمانان را از کافـر جـدا سـاخت، بعنـوان علامـت اسـلام پذیرفتـه هسـتند. در زمـان رسـول اللـه (ﷺ)' کلمـه توحیـد، نمـاز، اذان وهرکس زبانی مـی گفـت '**مـن مسـلمانم**' اینهـا فقـط مخصـوص بـه مسـلمانان بودوتنهـا مسـلمان آنـرا انجـام مـی دادنـد واینهـا را بعنـوان علامـت اسـلام بحسـاب مـی آوردنـد.

در زمـان ابوبکـر (رضـی اللـه عنـه) قضیـه رِدّه رویـداد. در حالـی کـه افـرادی کـه تابـع پیامـبر دروغگیـن شـده بودنـد و یـا از دادن زکات خـودداری مـی کردنـد. لااله الاالله مـی گفتنـد، اذان ونمـاز مـی خواندنـد. امـا اصحـاب ایـن اعـمال را بعنـوان نشـانه اسـلام از آنهـا قبـول نکردنـد و بـا آنهـا جنگیدند. وانـکار نمـودن پیامـبر دروغگیـن و دادن زکات و بیـزاری جسـتن از کسـانی



که پیامبر دروغگین را قبول و زکات نمی دادند را بعنوان علامت اسلام قبول می کردند.

امروزه وضع نیز همچنان است وفرقی ندارد. یک سکولار با اسلام اعلان جنگ نموده وفرمانده ای، فرمان مقابله و مبارزه با مسلمانان را می دهد وبسان یک هنرمند زبردست مشغول نشر فساد و بی اخلاقی در این جامعه است. وبیشتر رهبران کفر، لااله الاالله بر زبان می آورند، نماز می خوانند و ادعا می کند و می گوید: من مسلمانم و ویرا یک مسلمان می پندارند. وبخاطر اسباب بیان شده جداساختن نشانه های مسلمان از کافر محو شده ونشانه های اسلام نابود و متوقف گشته است.

نشانه های اسلام در رژیمهای کنونی؛ برای کسانی که گمان می کنند بر دین اسلام هستند آن است که؛ بایستی از دین ساخته شده از شرک و خرافات بیزاری بجویند.[55]

۱٤. تکفیر، نیز مانند نماز ،روزه وزکات یک حکم است ودر قران وسنت به اثبات رسیده است. تکفیر به معنای انکار نمودن، کم کردن، است و یا اگرالله(جل جلاله) بر مبنای دلایل و شواهد فردی را کافر بگوید، و دیگری این حکم الله(جل جلاله) را تحقیر و کوچک بشمارند و یا آیات الله(جل جلاله) و احکام شرعی را دست کم بگیرند.

"اگر از آنان (دربارە سخنان ناروا و کردارهاي ناهنجارشان) بازخواست كني، ميگويند: (مراد ما طعن و مسخره نبودە و بلكه با همديگر) بازي و شوخي ميكرديم. بگو: آيا به الله(جل جلاله) و آيات او و پيغمبرش ميتوان بازي و شوخي كرد؟! (بگو: با چنين معذرتهاي بيهودە) عذرخواهي نكنيد. شما پس از ايمان آوردن، كافر شدە ايد. اگر هم

۵۵. جهت معلومات بیشتر به بحثهای بیان شده از جانب جماعت در این زمینه مراجعه شود.



برخي از شما را (به سبب توبه مجدّد و انجام کارهاي شايسته) ببخشيم، برخي ديگر را نميبخشيم. زيرا آنان (بر کفر و نفاق خود ماندگارند و در حق پيغمبر و مؤمنان) به بزهکاري خود ادامه ميدهند." [٥٦] [٥٧]

۱۵. تکفیرنمودن بر مبنای یک قول، عمل و یا اعتقاد دارای سه قسم است:

آ. عبادتی را که بایستی برای الله(ﷻ) انجام شود را برای دیگری انجام دادن. برای الله(ﷻ) شریک قرار دادن یا طاغوت را انکار نکردن، اینها وجه اشتراک دعوت همه پیامبران بوده است. اما با انجام عمل برای غیرالله(ﷻ) اصل دین را خراب نموده و وارد شرک گشته اند.

ب. آنچه را که ازاصل دین (حرام و حلال) را بایستی بدانند ودر صورتی که حلال را حرام وحرام را حلال نماید، چنانچه با مسلمانان زندگی نماید و امکان دسترسی به کسب آن برایش مهیّا باشد با انجام آن به کفر می افتد. یا اگر تازه مسلمان شده است و در مکانی دور از مسلمانان زندگی می کند، و بعد از اتمام حجت بر او و آگاه ساختنش از این حکم باز هم بر عمل خود مداومت نماید در این صورت حکم تکفیر بر وی القاء می گردد.

ج. اگراصل دین نباشد، مسایلی باشد که دانستن آنها ضروری نیست، بخاطر انجام این اعمال، ازنسبت دادن حکم تکفیر معذور است. در صورتی که اقامه حجّت شده باشد بعدها شخصی آگاه بر این کار می تواند باتوجه به وضعیت او حکم تکفیر وی را بدهد.

---

۵۶. توبه ۶۶-۶۵

۵۷. این آیه در مورد کسانی که اصحاب صُفّه را تمسخر می کردند نازل شده است.



۱۶. در اصول دین هیچ اکراه و خطایی از انسان پذیرفته نیست. [۵۸]

چونکه در این نکته الله(ﷻ) به بهترین وکاملترین شکل بر انسان اقامه حجت نموده است، وبهانه و عذری برای آنها نمانده است.

"(اي پيغمبر! براي مردم بيان كن) هنگامي را كه پروردگارت فرزندان آدم را از پشت آدميزادگان (در طول اعصار و قرون) پديدار كرد و ايشان را بر خودشان گواه گرفته است (و خطاب بدانان فرموده است) كه: آيا من پروردگار شما نيستم؟ آنان (هم به زبان حال پاسخ داده و) گفته اند: آري! گواهي ميدهيم (توئي خالق باري. ما دلائل و براهين جهان را موجب اقرار و اعتراف شما مردمان كردهايم) تا روز قيامت نگوئيد ما از اين (امر خداشناسي و يكتاپرستي) غافل و بيخبر بوده-ايم يا اين كه نگوئيد: نياكان ما پيش از ما شرك ورزيدند و ما هم فرزندان آنان بوديم (و چون چيزي در دست نداشتيم كه با آن حق را از باطل بشناسيم، از ايشان پيروي كرديم. لذا خويشتن را بيگناه ميدانيم. پروردگارا!) آيا به سبب كاري كه باطلگرايان (يعني نياكان مشرك ما كه بنيانگذاران بتپرستي بودهاند) كردهاند ما را نابودمان ميگرداني؟" [۵۹]

---

۵۸. اکراه؛ کسی را مجبور به چیزی مخالف خواست و تمایل قلبی او نمودن." كساني كه پس از ايمان آوردنشان كافر ميشوند - بجز آنان كه (تحت فشار و اجبار) وادار به اظهار كفر ميگردند و در همان حال دلهايشان ثابت بر ايمان است - آري! چنين كساني كه سينه خود را براي پذيرش مجدّد كفر گشاده ميدارند (و به دلخواه خود دوباره كفر را ميپذيرند)، خشم تند و تيز خدا (در دنيا) گريبانگيرشان ميشود، و (در آخرت، كيفر و) عذاب بزرگي دارند." نحل ۱۰۶

خطا؛ لغزش زبانی فرد، مخالف با چیزی که خواسته با سخن یا عمل آنرا انجام دهد.

"خوشحال شدن الله(ﷻ) از توبه بندگانش بسان این مثال است، آدمی قصد سفر کند وهمراهش وسیله سواری (شتر) هست که آذوقه سفر بر آن است وآدم می خوابد و وقتی که بیدار میشود شترش که آذوقه شخص بر آن بود رفته است. تشنگی و گرسنگی بر وی مسلط می شود، به جای خودش برگشته و خوابش می برد وقتی بیدار می شود شترش برگشته و بر بالای سرش است. به راهش ادامه می دهد و از فرط خوشحالی چنین می گوید: ای خدایا!من خدای تو، وتو بنده من هستی. این خطای وی از شادی و خوشحالی بیش از اندازه اش است. بخاری ۶۳۰۸، مسلم ۲۷۴۴

۵۹. اعراف ۱۷۳-۱۷۲



این از ملزومات فطرت است که الله(ﷻ) می خواهد انسان موحد باشد و مشرک نباشد.

"روي خود را خالصانه متوجّه آئین (حقیقي الله(ﷻ) ، اسلام) کن. این سرشتي است که الله(ﷻ) مردمان را بر آن سرشته است. نباید سرشت الله(ﷻ) را تغییر داد. این است دین و آئین محکم و استوار، و لیکن اکثر مردم (چنین چیزي را) نمیدانند. به سوي الله(ﷻ) برگشته، و از (خشم و عذاب) او بپرهیزید، و نماز را چنان که باید بگزارید، و از زمره مشرکان نگردید." [۶۰]

الله(ﷻ) تنها به اینها بسنده ننموده و برای آگاه ساختن انسانها و کمک نمودن فطرت، دانستنیهایی دررابطه با کاینات را ارایه نموده است. وپروردگار در قران از اول تا آخر از انسانها می خواهد که موحد و مومن باشند.

"پروردگار شما، الله(ﷻ) یکتا و یگانه است و هیچ پروردگار جز او که رحمان و رحیم است وجود ندارد. مسلّماً در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتیهائي که به سود مردم در دریا در حرکتند و آبي که الله(ﷻ) از آسمان نازل کردهه و با آن زمین را پس از مرگش زندهه ساخته و انواع جنبندگان را در آن گستردهه، و در تغییر مسیر بادها و ابرهائي که در میان آسمان و زمین معلّق میباشند، بیگمان نشانه هائي است براي مردمي که تعقّل ورزند." [۶۱] [۶۲]

---

۶۰. روم ۳۱-۳۰

۶۱. بقره ۱۶۴-۱۶۳

۶۲. دراین رابطه می توان به آیات ۲۲-۲۱سوره بقره، آیات۳۳-۱۷سوره انبیاء، آیات۹۲-۸۴سوره مومنون، آیات۷۵-۷۱سوره قصص، آیات۳۲-۲۸سوره روم وآیه۱۶سوره رعد وآیه ۳۷سوره فصّلت نگاه کنید.



وبازهم به اینها اکتفا ننموده و پیامبران را فرستاده است.

"ما پيغمبران را فرستاديم تا (مؤمنان را به ثواب) مژده رسان، و (كافران را به عقاب) بيم دهندە باشند، و بعد از آمدن پيغمبران حجّت و دليلي بر الله(ﷻ)براي مردمان باقي نماند (و نگويند كه اگر پيغمبري به سوي ما ميفرستادي، ايمان مي آورديم و راه طاعت و عبادت در پيش ميگرفتيم). و خدا چيرە حكيم است." [63]

بوسیله قران، وجه مشترک دعوت همه پیامبران (توحید) و اصل دین اسلام تا روز قیامت محافظت می شود.

"الف. لام. را. (اين قرآن) كتاب بزرگواري است كه آيه هاي آن منظّم و محكم گرديدە است.و نيز آيات آن از سوي پروردگار **(جهان) شرح و بيان شدە است كه هم حكيم است و هم آگاه (و كارهايش از روي كارداني و فرزانگي انجام ميپذيرد (اي پيغمبر! بديشان بگو:) اين كه جز الله(ﷻ) را نپرستيد. بيگمان من از سوي الله(ﷻ) بيم دهندە (كافران به عذاب دوزخ) و مژدە دهندە (مؤمنان به نعمت بهشت) هستم."** [٦٤]

برای اثبات صلاحیّت اینها و همچنین تقویت نمودن آنها**الله**(ﷻ) می فرماید:

"(اي پيغمبر!) بگو: الله(ﷻ) داراي دليل روشن و رسا است.اگر الله(ﷻ) ميخواست همگي شما را (از راه اجبار به سوي حق و حقيقت) هدايت مينمود (امّا هدايت اجباري بيسود است و راهيابي اختياري پسنديدە و ستودە است)." [٦٥]

۶۳. نساء ۱۶۵

۶۴. هود ۲-۱

۶۵. انعام ۱۴۹



۱۷. باوجـود همـه اینهـا برخیها،کسـانی را کـه بـا اصـل دیـن مخالفـت مـی کننـد را جاهـل بحسـاب آورده وتاویلهـای نابجایـی را در حـق آنهـا مـی آورد ومـی گوینـد قبـل از اقامـه حجـت، نمـی تـوان ازآنهـا بـه مـشرک و کافـر نـام برد،کسـانی کـه چنیـن مـی گوینـد؛ در گمراهـی آشـکاری هسـتند. آنچـه اینهـا مـی خواهنـد ایـن اسـت کـه؛ آنهـا هـدف از خلقـت انسـان (توحیـد) را بصـورت کامـل و شـامل بیـان نمـی کننـد، وگـمان مـی برنـد پـروردگار آنـرا ناقـص بجـای گذاشـته و تکمیـل آنـرا برعهـده عالمـان نهـاده اسـت!این نظـر باوجوداینکـه یـک نگـرش علمـی و درسـت نیسـت، بلکـه گمراهـی و گـمان نیزهسـت.

۱۸. ایـمان عبـارت اسـت از؛ اقـرار نمـودن بـا زبـان، تصدیـق نمـودن بـا قلـب و عمـل نمـودن بـا اعضـای بـدن. زمانـی کـه ایـن سـه بـا هـم بیاینـد ازنظـر شرعـی ایـمان بحسـاب مـی آید.تـرک نمـودن تصدیـق بـا قلـب از جانـب فـرد بـه معنـای کفـر اسـت.

فـرد اگـر اقـرار بـا زبـان را تـرک کنـد وعـذری داشـته باشـد (ماننـد: لال) ایـن شـخص معـذور اسـت، امـا در غیـر اینصـورت کفـر اسـت.

تـرک نمـودن اعـمال تفصیـلات و توضیحاتـی دارد. اگـر یـک عمـل را کـه از ارکان ایـمان اسـت، وهمـه آن عمـل را تـرک کنیـد در آنصـورت کفـر اسـت. امـا اگـر برخـی از اجـزای آن عمـل را تـرک نماییـد در ایـن موضـوع میـان سـلف صالـح اختـلاف وجـود دارد. امـا قـول راجـح آن اسـت کـه؛ بـا تـرک نمـاز شـخص کافـر مـی شـود، امـا بجـز نمـاز برخـی از اعـمال را تـرک نمـودن فسـق اسـت.

"جدا کننده شـخص از کفر و شرک، ترک نماز اسـت." [٦٦] [٦٧]

---

۶۶. مسلم ۸۲

۶۷. برای معلومات بیشتر به بحثهای ارای شده از جانب جماعت مراجعه نمایید.



۱۹. اگـر فـردی در اصـل مسـلمان باشـدویک سـخن یـا عملـی را کـه بـر کفـر دلالـت مـی کنـد را انجـام دهـد. کسـی بـر وی حکـم کفـر نمـی دهـد، بایسـتی کـه شـخصی عـالم و دانـا، عمـل کفرآمیـز شـخص را تثبیـت نمایـد و شروط تطبیـق حکـم برشـخص ویاموانـع عـدم تطبیـق حکـم را بررسـی کند،سـپس حکـم بدهـد.

چونکـه اللـه(ﷻ) احـکام مسـلمان بـا غیـر مسـلمان را در دنیـا و آخـرت از هـم جـدا ومختلـف تعییـن نمـوده است.

"آیـا (بـا حکمـت و عدالـت مـا سـازگار اسـت) کسـاني را کـه ایمـان مـي آورنـد و کارهـاي شایسـته انجـام میدهنـد، همچـون تباهکاران (و فسـاد پیشـگان در زمـین) بشـمار آوریـم؟ و یـا ایـن کـه پرهیـزگاران بـا بزهـکاران برابـر داریـم؟" [٦٨]

۲۰. اصحـاب (رضـی اللـه عنهـم) پیامـبر را بـدون تبعیض دوسـت داشـتن و دشـمنی و تکفیـر نمـودن آنهـا کفـر ونفـاق اسـت. بایسـتی چنـان کـه اللـه(ﷻ) از مـا خواسـته بدانهـا نـگاه کنیـم.

"کسـاني کـه پـس از مهاجریـن و انصـار بـه دنیـا مـي آینـد، میگوینـد: پـروردگارا! مـا را و بـرادران مـا را کـه در ایمـان آوردن بـر مـا پیـشي گرفتـه اند بیامـرز. و کینـه اي نسـبت بـه مؤمنـان در دلهایمـان جـاي مـده، پـروردگارا! تـو داراي رأفـت و رحمـت فـراواني هسـتي" [٦٩]

۲۱. تقدیـر، از اسـاس اسـلام اسـت. در صـورت ایـمان نداشـتن بـه آن مسـلمان بـودن امـکان نـدارد. درقـران و سـنت تقدیـر ازچهـار مرتبـه تشـکیل شـده اسـت:

---

۶۸. ص ۲۸

۶۹. حشر ۱۰



آ. اللـه(ﷻ) صاحـب علـم مطلـق (بـی قیـد و بنـد) اسـت. قبـل از اینکـه هـر چیـزی را خلـق نمایـد، آگاه و دانـا بـه همـه چیـزآن اسـت.

"الله(ﷻ)همـان اسـت کـه هفـت آسـمان را و هماننـد آن زمـين را آفريدهـ اسـت. فرمـان اللـه(ﷻ) همـوارهـ در ميـان آنهـا جاري اسـت (و تدبـير هدايت و رهـبري او، لحظـه اي از جهـان بزرگ هسـتي برداشـته نميشـود، اين آفرينش عظيـم بـدان خاطـر اسـت) تـا بدانيـد اللـه(ﷻ) بـر هـر چيـزي توانـا اسـت، و آگاهـي او همـه چيـز را فـرا گرفتـه اسـت." [70]

"...بدانيد كه بيگمان الله(ﷻ) از هر چيزي آگاه اسـت." [71]

ب. اللـه(ﷻ) ايـن معلومـات را در لـوح المحفوظ نوشـته و از آن نگهداری مـی کند.

"(اي پيغمـبر!) تـو بـه هيـچ كاري نميپـردازي و چيـزي از قـرآن نميخـواني، و (شـما اي مؤمنـان!) هيـچ كاری نميكنيـد، مگـر ايـن كـه مـا ناظـر بـر شـما هسـتيم، در هـمان حـال كـه شـما بـدان دسـت مـی يازيـد و سرگـرم انجـام آن ميباشـيد. و هيـچ چيـز در زمـين و در آسـمان از پـروردگار تـو پنهـان نمـی مانـد، چـه ذرّهـ اى باشـد و چـه كوچكـتر و چـه بزرگـتر از آن، (همـه اينهـا) در كتـاب واضـح و روشـني (در نـزد پروردگارتـان، بـه نـام لـوح محفـوظ) ثبـت و ضبـط ميگـردد." [72]

"اللـه(ﷻ) پنجـاه هـزار سـال قبـل از اینکـه زمیـن و آسـمان را خلـق نمایـد آنـرا نوشـته اسـت و عـرش (سـلطنت) اللـه(ﷻ) بر آب اسـت." [73]

---

۷۰. الطلاق ۱۲

۷۱. بقره ۲۳۱

۷۲. یونس ۶۱

۷۳. مسلم، قدر۱۶



ج. خواست و اراده الله(ﷻ) بر هر چیز است و اگر خواست الله(ﷻ) بر آن نباشد برگ درختی حرکت نخواهد کرد.

"پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند، و هر کس را بخواهد برميگزيند، و مردمان (پس از صدور فرمان خدا دربارہ چيزي و کسي) حق انتخاب و اختيار ندارند الله(ﷻ) بسي منزّه تر و بالاتر از آن است که چيزي را انباز او کنند." [٧٤]

"آن کس را که الله(ﷻ)بخواهد هدايت کند، سينه اش را (با پرتو نور ايمان باز و) گشادہ براي (پذيرش) اسلام ميسازد، و آن کس را که الله(ﷻ)بخواهد گمراہ و سرگشته کند، سينه اش را به گونه اي تنگ ميسازد که گوئی به سوي آسمان صعود ميکند (و به سبب رقيق شدن هوا و کمبود اکسيژن، تنفّس کردن هر لحظه مشکل و مشکلتر ميشود. کافر لجوج نيز با پيروي از تقاليد پوسيدہ، هر دم بيش از پيش از هدايت آسماني دورتر و کينه اش نسبت به حق و حقيقت بيشتر و پذيرش اسلام برای وي دشوارتر ميشود) بدين منوال الله(ﷻ) عذاب را بهرہ کساني ميسازد که ايمان نمي آورند." [٧٥]

"اين (آيه ها) اندرز و يادآوری (براي جهانيان) است، و هرکس که بخواهد (ميتواند با استفادہ از آن) راهي به سوی پروردگارش برگزيند، شما نميتوانيد بخواهيد، مگر اين که الله(ﷻ) بخواهد. بيگمان الله(ﷻ) بس آگاہ و کاربجا است." [٧٦]

د. الله(ﷻ) آفریننده هر چیز است، عالم است وآنچه را که بخواهد بوجود می آورد.

---

۷۴. قصص ۶۸

۷۵. انعام ۱۲۵

۷۶. انسان۳۰-۲۹



"اللـه(ﷻ) آفریـدگار همـه چیـز اسـت و همـه چیـز را مـی پایـد و مراقبـت مینمایـد." [77]

الله(ﷻ) انسـان را آفرید وانسـان را دارای اراده و اختیار سـاخت و انسـان بـا ایـن اراده و اختیـار در بـاره چیزهایـی کـه انجـام مـی دهـد بازخواسـت مـی شـود. بخاطـر اینکـه اعـمال و خواسـت انسـان در مُلـک اللـه(ﷻ) روی مـی دهـد از ایـنرو تابـع و پیـرو اراده اللـه(ﷻ) خواهـد بـود.

۲۲. بجـز شرک، مرتکـب شـدن دیگـر گناهـان کبیـره، انسـان را بـه فسـق مـی انـدازد، امـا شـخص را از امـت اسـلام خـارج نمـی سـازد. اما اگـر شـخص گناهـی را کـه مرتکـب شـده است آنـرا حـلال و یـا حـرام بـودن آنـرا انـکار نمایـد در اینصـورت بـه کفـر مـی افتـد.

۲۳. بـاور داریـم کـه بایسـتی منبـع و سرچشـمه دیـن اسـلام (قـران و سـنت) را بـا توجـه بـه فهـم و درک سـلف صالـح درک و فهـم کنیـم.

بجـز وحـی سرچشـمه و منبـع دیگـری وجـود نـدارد. چونکـه درک و فهـم وحـی یـک فعالیـت اسـت و درک و فهـم انسـانها در فعالیـت متفـاوت و گوناگـون اسـت، ازایـنرو اسـلام درک و شـیوه زندگـی سـلف صالـح را بعنـوان معیـار انـدازه گیـری تعییـن نمـوده اسـت.

"پیشـگامان نخسـتین مهاجـران و انصـار، و کسـاني کـه بـه نیـکي روش آنـان را در پیـش گرفتنـد و راه ایشـان را بـه خـوبي پیمودنـد، اللـه(ﷻ) از آنـان خوشـنود اسـت و ایشـان هـم از الله(ﷻ)خوشـنودند، و اللـه(ﷻ) بـراي آنـان بهشـت را آمـادھ سـاخته اسـت کـه در زیـر (درختـان و کاخهـاي) آن رودخانـه هـا جـاري اسـت و جاودانـه در آنجـا میماننـد. ایـن اسـت پـیروزي

۷۷. زمر ۶۲



بـزرگ و رسـتگاري سـترگ.″ [78]

در ایـن آیـه بیـان شـده کـه اللـه(ﷻ)؛ از مهاجریـن وانصـار و کسـانی کـه بـه بهتریـن شـیوه از آنهـا پیـروی کردنـد خشـنود وراضـی گشـته اسـت.

در عــصر رســول اللــه (ﷺ) اگــر اهــل کتــاب مــی خواســتند ایــمان بیاورنـد، ایـمان اصحـاب را بعنـوان معیارسـنجش ایـمان معرفـی مـی کردنـد.

″اگـر آنـان ايمـان بياورنـد، همچنـان کـه شـما ايمـان آوردﻫ ايـد، و بـدان چيزهـائي کـه شـما ايمـان داريـد، ايشـان نيـز ايمـان داشـته باشـند، بيگـمان رهنمـود گشـته انـد، و اگـر پشـت کننـد پـس راﻫ اختـلاف و دشـمنانگي را (بـا شـما) در پيـش گرفتـه انـد، و اللـه(ﷻ) تـو را بسـندﻫ خواهـد بـود و او تـو را از (اذيّـت و آزار و نيرنـگ و دسيسـه هـاي) ايشـان نجـات خواهـد داد، و او شـنوا و بينـا اسـت (و گفتـار ايشـان را ميشـنود و کـردار آنـان را ميبينـد).″ [79] [80]

۲۴. اجـماع؛ یکـی از منابـع دیـن اسـت. پیامـبر فرمـوده: "امـت مـن و گمراهـی باهـم در یـک مـکان جمـع نخواهنـد شـد.″ [81] در عـصر اصحاب اجماع متشـکل از؛ معتـبر ومقبـول بـود. آنچـه بعـد از نسـل اصحـاب ادعـا مـی کننـد کـه آن اجـماع اسـت، اجـماع نیسـت. اکثریـت آنهـا نگـرش هسـتند. همچنـان کـه عالمـان بیـان نمـوده انـد؛ بعلـت پراکندگـی و انتشـار مـردم و عالمـان در گوشـه وکنـار دنیـا جمـع نمـودن نگـرش و آراء عالمـان امـری ناممکـن اسـت.

۲۵. قیاسـی را کـه مطابـق بـا شروط علـم اصـول باشـد، یـک دلیـل معتبر

---

۷۸. توبه ۱۰۰

۷۹. بقره ۱۳۷

۸۰. بـرای معلومـات بیشـتر بـه بحثهـای ارایـه شـده در ایـن رابطـه از طـرف جماعـت مراجعـه نماییـد.

۸۱. ابن ماجه، طبری



است ومناسب با قوانین اسلامی در همه نسلها و عصرها خواهد بود. ومراجعت بدان برای چاره سر نمودن مشکلات امری ضروریست.

۲۶. اصولی از دین که بوسیله احادیث متواتر به اثبات رسیده از موضوعات عقیده است. اگر شخص را اتمام حجت نمایید و بازهم بر کفر قطعی خود مداومت نماید. ویرا کافر می گویند.اموری بسان؛ عذاب قبر وجود دارد، شفاعت وجود دارد، آمدن عیسی (علیه السلام) قبل از برپاشدن قیامت و مهدی (علیه السلام) ودجال و دابه الارض حقیقت دارد و بوقوع خواهد آمد.

۲۷. دانستن غیب، تنها مربوط به خداوند است. واگر خداوند اراده نماید آن اندازه از غیب را که بخواهد به پیامبر میدهد و ویرا آگاه می سازد.

"داننده غیب الله(ﷻ)است، و هیچ کسي را بر غیب خود آگاه نمیسازد. مگر پیغمبري که الله(ﷻ)از او خوشنود باشد.الله(ﷻ) (براي حفظ آن مقدار غیبي که او را از آن مطّلع میکند، از میان فرشتگان) محافظانی در پیش و پس او روان میدارد." [۸۲]

"(اي مؤمنان! سنّت) الله(ﷻ) بر این نبوده است که مؤمنان را به همان صورتي که شما هستید به حال خود واگذارد. بلکه الله(ﷻ) ناپاك را از (مؤمن) پاك جدا میسازد. و (همچنین سنّت) بر این نبوده است که (کسي را از آفریدگان خود، و از جمله) شما را بر غیب مطّلع سازد (تا مؤمنان و منافقان را از طریق علم غیب بشناسید. زیرا این برخلاف سنّت الهي است). ولي الله(ﷻ) از میان پیغمبران خود، هر که را بخواهد برمیگزیند (و بر قسمتي از غیب مطّلع میسازد، البتّه بدان

۸۲. جن ۲۷-۲۶



اندازه که براي مقام رهبري او لازم و ضروري باشد) پس به الله(جل جلاله) و پیغمبرانش ایمان بیاورید، و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگار شوید، پاداش بزرگي خواهید داشت." [83]

خبردادن و معلوم ساختن برخی از علامتهای برپاشدن قیامت از جانب پیامبر دال بر این قضیه است که الله(جل جلاله) بوسیله غیب پیامبر را از این علامتها آگاه ساخته است. این روایتها حقیقت دارند و برپاشدن ناگهانی قیامت با این علامتهایی که پیامبر بیان نموده هیچگونه تضادو تناقضی ندارند. الله(جل جلاله) همگام با برپاشدن ناگهانی قیامت این علامتها را بیان نموده است.

"انگار (کافران و منافقان تا قیامت فرا نرسد ایمان نمي آورند، و براي ایمان آوردن خود) قیامت را چشم میدارند که ناگهان برپا میشود؟! هم اکنون علائم و نشانه هاي آن ظاهر شده است (که از جمله آنها بعثت خاتمالانبیاء است). اما وقتي که قیامت فرا رسید، دیگر باور داشتن و اندرز گرفتن چه سودي به حالشان دارد؟!" [84]

۲۸. پیروی از سنت پیامبر در زندگی یک اختیار و انتخاب نیست، بلکه برای مقبولیّت شهادت محمدرسول الله (صلی الله علیه وسلم)یک شرط ضروری است. مراجعت به سنت ایشان در زمان حیات پیامبر و بعد از وفاتشان از مستلزمات مقبولیّت ایمان به الله(جل جلاله) و روز آخرت است.

"اي کساني که ایمان آورده اید! از الله(جل جلاله) (با پیروي از قرآن) و از پیغمبر اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداري نمائید (مادام که دادگر و حقّگرا بوده و مجري احکام شریعت اسلام

---

۸۳. آل عمران ۱۷۹

۸۴. محمد ۱۸



باشند) و اگر در چیزي اختلاف داشتید (و در امري از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به الله(ﷻ)(با عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنّت نبوي) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنّت، حکم آن را بدانید. چرا که الله(ﷻ) قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به الله(ﷻ) و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعني رجوع به قرآن و سنّت) براي شما بهتر و خوش فرجامتر است.» [۸۵]

کسانی که سنت را انکار و یا با سنت مخالفت می کنند، دسته دسته اند:

آ. سنت پیامبر را مانند یک اجتهاد قبول می کنند و یا بسان نگرش عالمی با آن تعامل می کنند. اینها در حقیقت با پیامبر بسان یک نامه رسان برخورد می کنند و اینها هیچ ارتباطی با امت اسلام ندارند.

ب. همه سنت را انکار می کنند، بجز چند روایت و حدیث همه احادیث را انکار می کنند. اینها ارکان دین را انکار میکنند پیوند آنها با اسلام گسیخته است.

ج. سنت را بعنوان یک اساس قبول می کنند واگر سنت در قران و مطابق با آن نباشد آنرا قبول نمی کنند.

طرفداران این نگرش اگرسبب وعلت انکار احادیث متواتر را ارایه دادند؛ بعد از اتمام حجت واز بین بردن گمان و شبهه بدانها حکم کفر داده می شود.

طرفداران این نگرش چنانچه سبب و علت انکار احادیث متواتر را

۸۵. نساء ۵۹



ارایه ندادند. شاید، اگر میان حدیث و آیه قران تضادی باشد بایستی اهل این کار و عالم بدان امر قرار را بدهد، اهل این نگرش، قران را بر سنت ترجیح می دهند. این نگرش که قبول نمودن سنت را مشروط بدان کنند که بایستی در قران باشد، بدعت است.

۲۹. در مسایل دینی هر احداثی را که بعد از پیامبر بوجود آمده است، بدعت است. هدایت عبارت است آنکه؛ به سنت پیامبر چسپیده و بدعت را ترک کرد. گمراهی عبارت است آنکه؛ بخواهید بوسیله بدعت برای **الله**(ﷻ) بندگی کنید.

"...بی گمان کلام پروردگار زیباترین کلام است و بهترین راه، راه محمد (ﷺ) است، بدترین اعمال در دین اعمالی هستند که بعد از پیامبر در دین بوجود آمده اندوچنین اعمالی بدعت هستند و هر بدعتی گمراهی است و هرگمراهی جایگاهش آتش دوزخ است." [۸۶]

"کسانی که بعد از من زندگی می کنند اختلافات زیادی را خواهند دید از سنت من و خلفای راشدین تبعیت کنید وخوب بدانها بچسپید. از اموری که بعد از من بوجود می آید پرهیز کنید، چونکه هر چیزی که بعد از من پدید خواهد آمد بدعت است وهر بدعتی نیز گمراهی است و هرگمراهی جایگاهش آتش دوزخ است." [۸۷]

۳۰. چیزی تحت عنوان بدعت حسنه نیست و نخواهد بود. با وجود اینکه پیامبر فرموده: "هر بدعتی گمراهی است" با این حال باز هم بدعتها را به دو بخش تقسیم نمودن و قسمی را بدعت حسنه (نیکو) گفتن، خطایی بس بزرگ است.[۸۸]

---

۸۶. مسلم ۸۶۷، نسائی ۱۵۵۷

۸۷. ابوداود۴۶۰۷، ترمزی۲۶۷۶

۸۸. برای معلومات بیشتر به بحثهای ارایه شده از جانب جماعت در این خصوص مراجعه



۳۱. امر به معروف و نهی از منکر در زمینه بدعت چه عملی باشد چه اعتقادی امری ضروری است. بعد از آگاه ساختن شخص بدعتگذار با حکمت و نصیحت، در صورتی که بر بدعت خود مداومت نمود، هجرنمودنش (قطع رابطه وترک کردن) سزاوار او است.

"هر پیامبری را که **الله**(ﷻ)فرستاده، اصحاب و پیروانی دارد که از سنت و راه او پیروی می کنند وکسانی را که بعد از آنها می آیند و از اوامر و سنت او سرپیچی می کنند؛ هرکس با دست با آنها مبارزه نماید مومن است، هر کس با زبان با آنها مبارزه نماید او مومن است و هرکس با قلب با آنها مبارزه نماید (تنفر داشتن از آنها) او مومن است. بجز اینها هیچ کس به اندازه دانه خردلی ایمان در دل ندارد." [۸۹]

قطع ارتباط با اهل بدعت براساس منافع ومفاسد صورت می گیرد و این مصالح و مفاسد را بایستی فردی عالم و یا آگاه بر احوال اجتماعی آن ملت تعیین نماید. واگر فردی بنا به نگرش ومنافع خود اقدام به قطع ارتباط نماید، نتیجه ای جز ضرر و فساد بدنبال نخواهد داشت.

۳۲. تصوّف بر دو قسم مجزاست:

آ. اولویت دادن به اخلاق اسلامی و جنبه های معنوی، زیباییهای آخرت را بر نعمتهای دنیا ترجیح می دهند، ودر نعمتهای مباح مانند: خوردن وآشامیدن وخوابیدن، زیاده روی نمی کنند وهمه اینها را بر اساس معیار سنجش رسول الله (ﷺ) درک و بجا می آورند.

ب. همه موجودات را **الله**(ﷻ) می دانند(وحدت وجود). به شیخهایشان صفات **الله**(ﷻ) را می دهند، قلب و توجه انسانها را به

نماید.

۸۹. مسلم ۵۰



قبرها جلب می کنند، وسوسه های شیطان را الهام و وحی می پندارند، حیله و نیرنگ را کرامت می پندارند! با وجود اینکه سرابی بیش نیست خلوت و گرسنگی را مقام می پندارند، درحالی که **الله**(ﷻ) بخاطر این رُهبانیت مسیحیها را لعنت نموده است، ذلت و تحقیر خود را از اخلاق اسلام می دانند و گمان می برند اسلام دین؛ شرک، خرافات وبدعت است. [۹۰]

قسم اول را چه نام می نهید، نام گذاری کنید. آنها تنها جهتی از اسلام را بیان میدارد.مهم نیست که آنها تقوا، اخلاق و معنویات را عرفان نام گذاری می کنند. قسم دوم تنها وسوسه شیطان است، این خیال بافها و مشرکها با این طرز عقیده خود به الله(ﷻ) افتراء می زنند. چه اسمی خواهید گذاشت و چه اسمی دارند مهم نیست اینها با اسلام هیچ ارتباطی ندارند.

۹۰. برای معلومات بیشتر به بحثهای ارایه شده از جانب جماعت مراجعه نمایید.



روش مبارزه ما



منهج ما

۱. اسلام؛ دین مبارزه است، مبارزه در راه الله(ﷻ) بندگی و پارچه-ای از عبادت ما است. یک مبارزه اسلامی، تنها یک سازمان سیاسی با ذهنیت مبارزه نیست، بلکه به معنای بندگی با علم و آگاهی است.

۲. در اسلام مبارزه تنها با جماعت امکان پذیر است. جماعت بودن و یا در داخل یک جماعت مکانی را انتخاب نمودن یک انتخاب شخصی نیست بلکه یک امر ضروری است.

"... الله(ﷻ) به من پنج چیز را سفارش نمود که من هم آنرا به شما امر می کنم: شنیدن، اطاعت نمودن، باجماعت بودن، هجرت و جهاد." [۱]

۳. تشکیل جماعت بر دو اصل اساسی بنا نهاده می شود:

آ. یکی بودن در عقیده؛ برای تشکیل یک جماعت اسلامی بایستی تمام اعضا وساختار جماعت همعقیده باشند. اگر همه در جزییات عقیده مثل هم نباشند بسان آن است که؛ اساس و زیربنای یک خانه

۱. ترمزی ۲۸۶۳



را محکم نکرده و بر روی آن اساس ضعیف شروع به ساخت وساز نمایید.

ب. یکی بودن در منهج؛ بایستی در روش مبارزه مساله منهج، طرز فکر همه مانند هم باشد. چونکه مبارزه عبارت است از؛ یکی بودن سالم انسانها، تحویل این اصول به انسانها وراه چاره این است که در این راه از سردرگمی وبهم خوردگی جلوگیری شود.

وچنانچه انسانها باهم متحد ویکی نباشند، انسانها در مبارزه دچار مشاجره و اختلاف می شوند.

براساس چه اصول و اساسی این جماعت را بنا نهاده اند معلوم و مشخص نیست. کسانی را که مانندجلال الدین رومی دارای نگرش وحدت وجود هستند و از آن نگرش پیروی می کنند. سرمایه اندکی از انرژی و زمان را که انسانها در اختیار دارند در راهی مخالف با شریعت و عقل بهدر می دهند.

پیامبر چنین فرموده است: "صفهای خود را مرتب سازید و شانه و پاهایتان را به همدیگر برسانید، صفها را مختلف و کج نکنید (صفهای نامرتب) چونکه **الله**(ﷻ) به قلبهایتان اختلاف می اندازد." [۲]

حتی اسلام اختلاف پاها را هم قبول ندارد. وقبول نمودن انسانها با اختلاف در عقیده و منهج در یک صف هرگز قابل قبول نیست. [۳]

٤. شفاف و معلوم بودن عقیده ومنهج در هر جماعت یک ضرورت اسلامی است، بندگی بر صداقت بنا نهاده می شود. در تشکیل جماعت

---

۲. مسلم، ابو داود

۳. برای کسب معلومات بیشتر در این باره به بحثای بیان شده از جانب جماعت مراجعه نمایید.



ومبـارزه داشـتن صداقـت نيـز امـری ضروری اسـت، بايسـتی همـه چيـز را بصـورت روشـن بـرای مخاطبـان معرفـی نمايـد وبـر ايـن اسـاس يكـی بـودن بنـا نهـاده شـود. در غيـر اينصـورت يكـی بـودن اسـلامی بـر روی صداقـت بنـا نشـده اسـت، بلكـه بـر روی فريـب و حيلـه بنـا شـده اسـت.

"اي مؤمنان! از الله(ﷻ) بترسـيد و همگام با راسـتان باشـيد." [۴]

"فريبكار از ما نيسـت..." [۵]

بنابـر ايـن افـرادی كـه زيـر سـقف يـک جماعـت باهـم جمـع شـده انـد و كسـانی را كـه دور از سـقف جماعـت هسـتند بايسـتی هـردو از روی بصيـرت اقـدام بـه انتخـاب خـود نماينـد.

۵. عملكـرد جماعـت بـر سـه اسـاس اسـت: مديـر، منهـج وپيـروی كنندگان (اعضـا) **شـكل مديريّـت و سيسـتم تصميـم گيـری**؛ مديـر، مسـئوليت تطبيـق نمـودن اهـداف و اعـمال را برعهـده دارد، ارزيابـی جريـان عملكـرد بـر اسـاس منهـج وتعييـن مسـئوليت و تكاليـف اعضـا امـری ضروری اسـت.

برخـی جماعتهـا تنهـا سيسـتم مديريـت تـک اميـری دارنـد، برخـی از جماعتهـا نيـز سيسـتم مديريـت مشـاوره ای و هيئـت مديريـت دارنـد و برخـی نيـز سيسـتمهای مديريـت مختلفـی را ترجيـح مـی دهنـد. باتوجـه بـه اقتضـای زمـان و نيـاز سيسـتم مديريـت تعييـن مـی شـود.

نظـر مـا ايـن اسـت كـه؛ مديـر يـک نفـر باشـد و كارهـای مخصـوص را باتوجـه بـه سيسـتم مشـاوره ای انجـام دادن، نتيجـه كارآمدتـر خواهـد بـود، اللـه اعلـم.

---

۴. توبه ۱۱۹

۵. مسلم



٦. مهمترین مساله در جماعت، هماهنگی واطاعت است. درصورتی که جماعت در هر مرحله ای با توجه به اطاعت و هماهنگی وظیفه خود را انجام ندهند در این صورت تنها اسمی از جماعت بجا می ماند. زمانی که پیامبر معاذبن جبل و ابوموسی اشعری را به یمن فرستاد بدانها فرمود:

"بشارت دهید، نفرین نکنید، آسانگیری نمایید و سختگیری نکنید. هماهنگ باشید و اختلاف نکنید." [٦]

٧. نبایستی هیچ جماعتی از هویت ملت خود پا فراتر گذارد. ما قبل از هر چیز یک فرد از این امت اسلامی هستیم وسپس فردی از یک جماعت در این امت اسلامی برای خدمت به اسلام هستیم. چنانچه جماعتی از هویت ملت خویش پا فراتر بگذارد امت را پارچه پارچه نموده ودچار فرقه گرایی می شود.

"این (پیغمبران بزرگي که بدانان اشاره شد، همگي) ملّت یگانه اي بوده (و آئین واحد و برنامه یکتائي دارند) و من پروردگار همه شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید." [٧]

٨. اعتقاد داریم که اگر جماعتها فعالیتهای خود را تحت عنوان اسم مشخص و در چهارچوب شروط مشخصی انجام ندهند یک نقض و کاستی است. این شروط؛ بایستی از چیزهایی نباشد که شریعت آنها را ممنوع نموده و باید اسم نهاده شده بر آن فعالیت مناسب بوده و ناپسند نباشد وامت اسلام فراموش نکنند که این فعالیت پارچه وقسمتی از اسلام است.

---

۶. بخاری ۷۱۷۲

۷. انبیاء ۹۲



۹. ماموریـت جماعـت مـا؛ دعـوت انسـانها بـه توحیـد ومضمـون آن، بندگـی بـرای اللـه(ﷻ) وپیـروی و تبعیـت از رسـول اللـه (ﷺ) اسـت. وبـا توجـه بـه ضرورت توحیدوسـنت، فهـم وماموریـت تحویـل و رسـاندن آن بـه انسـانها، اسـم جماعـت را جماعـت توحیدوسـنت نهـاده ایـم.

۱۰. جهتگیـری و عملکـرد جماعـت مـا بصـورت داوطلبانـه ودر قالـب نصیحـت و ارشـاد کـردن اسـت.

۱۱. سـازمان رسـمی نشریـات جماعـت مـا بنـام tevhid dergisi (مجلـه توحیـد) و وبسـایت انترنتـی tevhid dersleri(دروس توحیـد) اسـت. مجلـه توحیـد بـا کار و تـلاش دانـش آموختـگان مدرسـه توحید واسـاتید محـترم آماده و حـاضر مـی شـود وفعالیتهـای دعـوت و تبلیـغ ما بنـام دروس توحید، توسـط وب سـایت مـا منتـشر مـی شـود. وب سـایتهای دیـده شـده در مجلـه توحیـد و درسـهای توحیـد بـرای ارتبـاط وحسـابهای رسـانه هـای اجتماعـی مربـوط بـه جماعـت اسـت. بجـز اینهـا حسـابهای منتـشر شـده توسـط بـرادران دینـی هیـچ ارتباطـی بـا مـا نـدارد. در زمینـه نـشر و چـاپ کتـاب آثـار مـا توسـط چاپخانـه فرقـان چـاپ و نـشر مـی شـود.

۱۲. سرمقالـه نوشـته شـده در مجلـه توحید بعنوان بحث روز و دسـتورکار جماعـت اسـت وموضوعـات؛ عقیدتـی، سیاسـی، اخلاقـی وسـیرت بازتـاب دیـدگاه و نگـرش جماعـت اسـت.

۱۳. سـاختار سـازمانی در جماعـت بـا توجـه بـه سلسـله مراتـب اتخـاذ وعمـل مـی گـردد وبـا رعایـت اطاعـت و ادب اسـلامی حرکـت وعمـل مـی کند.بسـان اطاعـت و ادب فرزنـد در مقابـل والدیـن، طلبـه در مقابـل اسـتاد، کوچـک در مقابـل بـزرگ وتعهـد سربـاز در مقابـل فرمانـده اسـت، احـترام و عشـق بـر اسـاس اطاعـت داوطلبانـه قـوی و ورزیـد مـی شـود و بصـورت تحمیـل شـده بـر انسـانها نیسـت. آگاهی از حـس مسـئولیت وبندگی



برای الله(ﷻ) سبب بروز و بوجود آمدن چنین اخلاقی می شود. ومنهج پیامبر گویای چنین اخلاقی است. واین مسئولیتها از جانب جماعت تحت عنوان"سِری مسئولیت"بصورت مفصّل در کتابهایی نشر و چاپ شده است.

۱٤. هدف از فعالیت های آموزشی در جماعت:

آ. تعلیم عقیده اسلامی به اشخاص، و برای این است تا جامعه از جاهلیتی که بر آن است توبه نموده و خود را تسلیم الله(ﷻ) نماید.

ب. تعلیم ارزشهای اخلاق اسلامی واجرانمودن آن در حیات انسانها.

ج. هدف از فعالیتهای اجتماعی ایجاد و تحکیم برادری براساس اصول برادری در اسلام، میان مسلمانان جماعت و مسلمانان خارج از جماعت است وایجاد ارتباط میان آنها است.

۱۵. مهمتریم ماموریت جماعت؛ تعلیم علم به جوانان مستعد در داخل مدرسه توحید وتبدیل شدن به یک طالب علم یا یک دعوتگر است. از این طلّاب کسانی که استعداد کسب علم در سطوح بالاتر را دارا می باشند، بعد از فراگیری علوم اساسی و پایه، برنامه درسی مشخص شده در طول چند سال برای آنها ایجاد شده است.

متنها وعلوم پایه ای برای تدریس به طالبان علم:

- علم صرف: امثله، بناء، المقصود.

- علم نحو: تحفه الثنیّه، اعراب گذاری چهل حدیث، شرح قطرالندی، اعراب گذاری شعرهاو آیات موجود در قطرالندی، قواعدالاعراب، الفیّه ابن مالک.

- عربی بصورت عملی: مجموعه کتابهای عربی در دستان تواست.



- اصول الفقه: تسـهیل الطرقات في نظم الورقات، ارشـادالفحول.
- مصطلـح الحدیـث: شرح البیقونیّه، نزهـة النظر في توضیح نخبة الفکر.
- علـوم القـران: منظومه الزمزمی، مقدم فی اصول التفسـیر.
- فقه:کتابهـای عمـده الاحـکام، ملخـص الفقهـی، (بـا ملخـص الفقهـی نیـز کتـاب بلـوغ المرام)اسـت.
- عقاید:کتابهـای وجـه اشـتراک دعـوت همـه پیامـبران، اصـول الثلاثـه، قواعـد الاربعـه، الوجیـز، عقایـد الواسـطیّه، کتـاب التوحیـد، کشـف الشـبهات، القواعـد المثلـی، و بصـورت عملـی التدموریـه والحمویّـه اسـت.
- حدیـث: چهـل حدیث، شرح بخاری (بجز قسـمتهای مربوط به فقه).
- تفسـیر: عمده التفسیر.[8]

۱۶. دعـوت، علـم وفعالیتهـای مـا بـرای زنـان کـه نیمـی از امـت اسـلام را تشـکیل مـی دهنـد نیـز در نظـر گرفتـه شـده اسـت.

۱۷. وظیفه فعال جماعت عبارت اسـت از:

آ. همـه فعالیتهـای جماعـت چـه بـرای افـراد جماعـت و چـه بـرای غیـر جماعـت روشـن و آشـکار اسـت. فعالیتهـای خـود را ضبـط وبایگانـی نمـوده و آنـرا بـرای همـه مسـلمانان بـه اشـتراک مـی گذاریـم.

ب. فعالیتهـای مـا بصـورت منظـم و مرتـب اسـت. آموزش توحیـد و تعالیم اخلاقـی و تزریـق آن بـه زندگـی مسـلمانان از وظایف فعال جماعت اسـت.

---

۸. برای معلومات بیشتر به بحثهای ارایه شده از جانب جماعت مراجعه نمایید.



ج. محدودنمودن و از بیت بردن اختلاف درعقیده و منهج وپرهیز ازجداسازی آنها در جماعت، اطاعت از تعلیم و تدریس اصول اخلاقی در جماعت، انسجام و هماهنگی، متانت، فداکاری، مطابقت ادب وآداب معاشرت، نصیحت واضح و آشکار باشد و گوش سپردن بدان به بهترین شیوه را شامل می شود.

د. شرکت در جماعت داوطلبانه است، کسی که درخواست مشارکت داوطلبانه در فعالیتهای مداوم جماعت را دارد می تواند شرکت نماید وبرادران را در انجام فعالیتها کمک و همکاری نماید.

ی. بهمانگونه که شرکت در جماعت داوطلبانه است، جدا شدن از جماعت نیز داوطلبانه خواهد بود. کسی که خواهان قطع ارتباط و یا رهانمودن وظیفه خود از یک عضو فعال به یک عضوساده را دارد، خواهان اعمال مجازات معنوی یا مادی بر این اشخاص نیستیم.

و. افرادی که جماعت را ترک می کنند تا زمانی که پایبند به اصول اعتقاد واخلاق اسلامی باشد، با التزام به قانون وفاداری وی را برادر خود می دانیم. در صورتی که عقیده و اخلاق او خراب شده باشد و یا در باره برادران مسلمان بدگویی نموده باشد وحقوق آنها را ضایع نموده باشد، روابط خود را با او قطع نموده وجماعت خود را از او بدور می گیریم، البته اهل علم در این خصوص قرار می دهند.

هـ. همچنان که یک مسلمان داوطلبانه می تواند از جماعت جدا شود، بهمان ترتیب با توجه به داشتن مشکل در عقیده، منهج واخلاق نیز امکان حذف او از جماعت امکان پذیر است.

۱۸. وجود زنان مسلمان در داخل جماعت، بخاطر بودن همسرش وپیروی اجباری از او نیست، بلکه ما معتقدیم که؛ وجودش با انتخابی آگاهانه از هویت وشخصیت خودش است وبودنش برای مبارزه اسلامی



امری ضروریست. در زمان رسول الله (ﷺ) زنان نیز در امور خدماتی حتی در شرایط سختی مانند جهاد وهجرت نیز مشارکت داده شده-اند. در رابطه با زنان هرآنچه را که میراث جاهلیّت است و با قران در تضاد است، بایستی تغییر داده شود.

۱۹. هر مسلمان یک دعوتگر برای اسلام است، پیامبر می فرمایند: "بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً" "ازمن برسانید حتی اگر یک آیه هم باشد" بایستی چیزی را که از آن آگاهی دارید به دیگر انسانها برسانید. بجز دعوت از دیگر مسایل مانند: فقه، سیاسی، مسایل ارتباطی میان جماعتها، بایستی کسانی که اهل این کار هستند و آگاهی دارند، بحث و صحبت کنند. مرکز دعوت افرادی که واجد شرایط هستند را برای سوال و جواب بر می گزینند.

هدف ما؛ ایجاد برنامه ای برای افزایش معلومات برادران در زمینه مسایل اسلامی است. آگاهی و معلومات یک چیز ونماینده ما بودن چیز دیگری است. در مورد مسایل ثابت وتغییر ناپذیرمانند: فرض بودن نماز، شرک و بجزالله(ﷻ) از دیگری التماس نمودن، هر کس می تواند سخن بگوید. در مورد مسایل تغییر پذیر کسانی مجاز به سخن گفتن هستند که دارای: معلومات زیاد هستند، و بصیرت تحلیل را با توجه به واقعه و وضعیت شخص داشته باشد.

۲۰. جماعت به برنامه های عقیدتی، اخلاقی وچهره های اسلامی اهمیت داده و بر آن برنامه ها استقامت نموده، آنها را در زندگی تطبیق داده و چنین فعالیتهایی را همکاری نموده، به پیشنهاد و مشکلات برادران گوش داده و جهت رفع این مشکلات و تطبیق آنها در زندگی با برادران مشورت می کنند.

۲۱. جماعت ما برای دعوت به اسلام، همراه با بخشهای عقیدتی



بیان شده بر اساس اصول توحید و سنت بصورت آشکار و شفاف آنرا به مردم می رساند ومعتقد هستیم که؛ برای رساندن این اساس و اصول ورساندن دعوت به انسانها از همه روشهای شرعی و جایز استفاده نماییم. وبرای فعال نمودن دعوت از همه وسایل نوشتاری، زبانی و تصویری استفاده می کنیم.

۲۲. در منطقه ای که ما زندگی می کنیم، مسجدهای رسمی تابع اداره اوقاف به اسلام ضرر می رسانند، بر این اعتقاد هستیم که اینها مسجد ضرار هستند. بر اساس آیه۱۰۷ سوره توبه. [۹]

انطباق این عنوان بر مسجدهای موجود یک مساله اجتهادی است. ما اعتقاد داریم که؛ مسجدهایی را که مسلمانان در آنها آیات الله(ﷻ)را می خوانند و حکمت می آموزند، بایستی بر اساس تقوا بنا نهاده شوند.

۲۳. جماعت برای تعلیم و آموزش، مفرداتی از کتابهای مناسب را در لیستی در سایتtevhiddersleri.net منتشر نموده است. [۱۰]

٢٤. تعیین و پشتیبان عقیده و منهج ما آیات محکم کتاب و سنت است. ودعوت خویش را براساس آیات محکم بنا نهاده ایم وانسانها را بدان دعوت می کنیم.

"او است که کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرده است. بخشي از آن، آيه هاي" مُحْكَمَات" است (و معاني مشخّص و اهداف روشني دارند و

---

۹. "و (از ميان منافقان) كساني هستند كه مسجدي را بنا كردند و منظورشان از آن، زيان (به مؤمنان) و كفرورزي (در آن) و تفرقهاندازي ميان مؤمنان (و درهم كوبيدن صفوف مسلمانان) و كمينگاه ساختن براي كسي بود كه قبلاً با الله(ﷻ) و پيغمبرش جنگيده بود و (علم طغيان برافراشته بود) سوگند هم ميخورند كه نظري جز نيكي نداشتهاند (و تنها مرادشان خدمت به مردمان و اقامه نماز در آن بوده و بس) امّا الله(ﷻ) گواهي ميدهد كه آنان (در سوگند خود) دروغ ميگويند."توبه ۱۰۷

۱۰. دراین رابطه می توان به عنوانهای دقیق ارایه شده از جانب جماعت مراجعه نمایید.



آنهـا اصـل و اسـاس ايـن كتاب هسـتند، و بخـشي از آن آيه هاي" مُتَشَـابِهَات" اسـت، (و معـاني دقيقـي دارنـد و احتـمالات مختلفـي در آنهـا مـيرود). و امّـا كسـاني كـه در دلهايشـان كـژي اسـت (و گريـز از حـق، زوايـاي وجودشـان را فـرا گرفتـه اسـت) بـراي فتنـه انگيـزي و تأويـل (نادرسـت) بـه دنبـال متشـابهات ميافتنـد. در حـالي كـه تأويـل (درسـت) آنهـا را جـز اللـه(ﷻ) و كسـاني نميداننـد كـه راسـخان (و ثابتقدمـان) در دانـش هسـتند. (ايـن چنـين وارسـتگان و فرزانـگاني) ميگوينـد: مـا بـه همـه آنهـا ايمـان داريـم (و در پرتـو دانـش ميدانيـم كـه محكـمات و متشـابهات) همـه از سـوي خـداي مـا اسـت. و (ايـن را) جـز صاحبـان عقـل (سـليمي كـه از هـوي و هـوس فرمـان نميبرنـد، نميداننـد و) متذكّـر نميشـوند." [۱۱]

محکـم؛ بـه طـور گسـترده ای در قـرآن ذکـر شـده، تنهـا بـه یـک معنـا مـی آیـد وکسـانی را کـه در قلـب آنهـا کجـی و انحـراف اسـت نمـی تواننـد در معنـای آن دخـل و تـصرّف نماینـد.

۲۵. بنـا نهـادن منهـج تحـت آیـات متشـابه، منهجـی اسـت کـه؛ مـی توانـد سـبب لغـزش پـا، انحـراف قلـب وتشـویش ذهـن گـردد. اللـه(ﷻ) بـرای امتحـان و آزمایـش چنیـن آیاتـی را در قران قرار داده اسـت. ودر صورتی کـه در دسـتور کار دیگـران باشـد چنیـن عمـل مـی کنیـم؛

آ. درحقیقـت آیـات محکـم آنهـا را خوانـده، بـه آیـات متشـابه جـواب نـداده و امـا اعتقـاد داریـم کـه همـه از جانـب اللـه(ﷻ) اسـت،

ب. اگـر انسـانهای دارای علـم و آگاه بـه مسـاله در بـاره آن نظـر دهنـد و بـه آنچـه کـه باطـل اسـت جـواب دهنـد آنـرا خیـر بحسـاب مـی آوریـم.

ج. اگـر شـامل چیـزی ضروری نباشـد، بـدان شـبهه هـا جـواب نـداده

۱۱. آل عمران ۷



وباور داریم که بایستی از آنها رویگردانند.

سوءظن محور کار شیطان است، شیطان تلاش می کند، با زبان دوستانش صحبت می کند و ذهن یکتاپرستان را مخدوش می سازد. شک وتردید در زمان اصحاب نیز اتفاق افتاد. الله(ﷻ) به تردید و شبهه ها جواب نداده است، بلکه حکم و آیه محکمی را خاطرنشان ساخته است.

مشرکان گفتند: حیوانی را که الله(ﷻ)بوسیله شمشیر طلا سربریده است شما آنرا مُردارمی گویید و از گوشت آن نمی خورید، اما حیوانی را که با دست خویش آنرا سربریده اید حلال می گویید واز گوشت آن می خورید!آنچه را که با دست شما مرده باشد حلال و آنچه را که بوسیله الله(ﷻ) مرده باشد حرام می دانید؟ با این تردید افکار مسلمانان را مخدوش می کنند. الله(ﷻ)جواب این تردید آنها را نداده بلکه آیه قاطع و محکمی را نازل فرموده و حکم آنرا تعیین نموده است.

"از گوشت حیواني نخورید که (به هنگام ذبح عمداً) نام الله(ﷻ) بر آن برده نشده است. چرا که خوردن از چنین گوشتي، نافرماني است. بیگمان اهریمنان و شیاطین صفتان، مطالب وسوسه انگیزي به طور مخفیانه به دوستان خود القاء میکنند تا این که با شما منازعه و مجادله کنند. اگر از آنان اطاعت کنید بیگمان شما مشرك خواهید بود." [۱۲]

اینجا یک اصل مهم را به جماعتها تعلیم می دهد که؛ بایستی برای جواب دادن به تردید و گمانها به احکام آیات محکم مراجعه نمایند.

۲۶. کسانی را که دعوت خویش را بر مبنای جواب به هر شبهه و تردیدی بنا نهاده است، در صورتی که شخص به برخی از شبهه های شیطانی جواب ندهد، شخص دچار تردید اعتقادی خواهد گشت و در

۱۲. انعام ۱۲۱



برابـر وسوسـه هـای شـیطان نخواهنـد توانسـت اسـتقامت نماینـد.

۲۷. اسـاس عقیـده و منهـج خویـش و دعـوت انسـانها بـدان را بـر مبنـای نگـرش عالمـان قـرار نـداده ایـم. اعتقـاد داریـم کـه ایـن روش اشـتباه و دری بسـوس شرو اختـلاف اسـت. تاریـخ اسـلامی مملـو از انسـانهای عـالم بـا نگـرش و افـکار مختلـف اسـت. اگـر شـما اعتقـاد خـود را براسـاس نگـرش یـک عـالم بنـا نهـاده باشـید ممکـن اسـت، دیگـری نگـرش ایـن عـالم را اشـتباه و کامـلا برضـد آن نگـرش بـاور خـود را پایـه ریـزی نمایـد. اعتقـاد داریـم کـه اختلافـات موجـودی کـه جامعـه مـا بـا آنهـا گریبانگیـر اسـت، سرچشـمه بیشـتر آنهـا نگـرش وفتـوای عالمـان اسـت.

نگرشـهای عالمـی را کـه در قرنهـای قبلـی زندگـی کـرده اسـت را ارزش نمـی نهیـم. چونکـه چنـد قـرن بعـد عالمـان دربـار و طاغـوت پرسـت ایـن عـصر بـرای نسـلهای بعـدی رهـبران و پیشـوایان گمراهـی خواهنـد بـود. بـرای عـصر گذشـته و حـاضر تـا روز قیامـت تنهـا معیـار سـنجش و حسابرسـی، قـران و سـنت اسـت.

۲۸. منحـصر و حبـس نمـودن فعالیتهـای اسـلامی تنهـا بـه یـک زمینـه وانکاروبـی ارزش پنداشـتن بقیـه زمینـه هـا مانـع از پیـشروی و گسـترش اسـلام خواهـد شـد. همـه فعالیهـای اسـلامی تحـت عنـوان جهـاد در راه اللـه(ﷻ) بیـان شـده انـد. وبدیـن صـورت برخـی در راه الله(ﷻ)مـی جنگنـد، برخـی دعـوت بـه اسـلام مـی کننـد وبرخـی فعالیتهـا و کارهـای اسـلامی را بـا مـال همـکاری مـی کننـد.

"پـس (در تبلیـغ رسـالت و دعـوت بـه حـق، اسـتوار و کوشـا بـاش و) از کافـران اطاعـت مکـن (و بـه دنبـال هوسـها و خرافـات ایشـان مـرو) و بـا



(اسلحه) قرآن با آنان جهاد بزرگ (و همه جانبه تبلیغاتي) را شروع کن.» [۱۳]

این آیه بیان می دارد؛ کسانی که انسانها را به حقایق قران دعوت می کنند در راه الله(ﷻ) جهاد می کنند.

«بیگمان الله(ﷻ)(کالاي) جان و مال مؤمنان را به (بهاي) بهشت خریداري میکند. (آنان باید) در راه الله(ﷻ)بجنگند و بکشند و کشته شوند. این وعده اي است که الله(ﷻ) آن را در (کتابهاي آسماني) تورات و انجیل و قرآن (به عنوان سند معتبري ثبت کرده است) و وعده راستین آن را داده است، و چه کسي از الله(ﷻ)به عهد خود وفاکننده تر است؟ پس به معامله اي که کرده اید شاد باشید، و این پیروزي بزرگ و رستگاري سترگي است.» [۱۴]

این آیه عمل کسانی که درراه الله(ﷻ) می جنگند و مال خود را می بخشند را جهاد معرفی می کند.

پیامبر می فرماید:

«با جان، مال و زبانتان با مشرکان مبارزه نمایید.» [۱۵]

در جماعت توحید و سنت؛ با زبان انسانها را به اسلام دعوت می کنیم وجماعتی هستیم که، ماموریت ما بیان حقایق توحید و سنت بصورت روشن و آشکار است.

۲۹. در هر جای دنیا هر کس را که برای توحید و سنت مبارزه می کند برادر ما است و بر اساس حقوق برادری در اسلام با آنها

---

۱۳. فرقان ۵۲

۱۴. توبه ۱۱۱

۱۵. مسلم۱۵۷۸۵، ابو داود۲۵۰۴، نسایی۳۰۹۶



تعامل می کنیم واز بودنشان ممنون ومتشکر هستیم. اعتقاد داریم هر کاری را برای اسلام می کنند به مسلمانان فایده خواهد رساند. وبا تمام جماعتهایی که برای ترقی اسلام مبارزه و تلاش می کنند بجز پیوند برادری هیچ رابطه و بیعتی نداریم.

۳۰. وحدت مسلمانان؛ برای اینکه مسلمان یک امت شوند بایستی هم عقیده باشند و برای اعلای کلمه الله(ﷻ)مبارزه نمایند. جماعتهایی را که برای یک هدف خدمت می کنند هر یک یکطرف بار دعوت به این هدف را گرفته وسنگینی آنرا تحمل می کنند. هرچند که این جماعتها با نام و اسمهای متفاوتی باشند بایستی که در اثنای تلاش برای خدمت به هدف از مشاجره ورقابت پرهیز نمایند.

باور داریم که با توجه به اسباب زمان، مکان وبرخی شروط وحدت وجمع نمودن همه جماعتها از نظر فیزیکی زیر یک سقف امری غیر ممکن است، اماباور داریم که؛ وحدت از نظر عقیدتی وعملی مانند همکاری خیلی به حقیقت نزدیکتر و ممکن است.

۳۱. توحید و یکی شدن در اصول توحید وسنت وبرای دعوت ونشر توحید و سنت در دنیا و بودن جماعتهای دیگر برای مسلمانان فایده دارد.

در زمینه دعوت؛ روشهای مختلف وخدمتهای متفاوت می تواند انسانها را در عرصه وسیعتر و به تعداد بیشتری مخاطب قرار دهد وچه بهتر است در این زمینه یکدیگر را با خبر نموده وهمدیگر را همکاری نماییم.

۳۲. جهاد؛ بسان نماز، زکات، روزه ودیگر فرضها که الله(ﷻ)فرض نموده است، برمومنان فرض است. جماعتهای جهادی موجود در میدان عقیده و منهج خود را تعیین و تثبیت ننموده اند و مفهوم واقعی جهاد نیست!بلکه تنها نگرش جماعت است. اگر از برخی جماعتهای جهادی انتقاد نماییم، برخی که دارای نگرشهای اشتباه وبیمار دل هستند



گمان می کنند که ما از جهاد انتقاد می گیریم درحالی که این تنها نگرش برخی از بیمار دلان است، و ما از جماعتهای جهادی انتقاد می گیریم نه از جهاد!

مثلا:اگر بخاطر یکی از افعال ما مسلمانی از جماعت توحید و سنت انتقاد بگیرد فکر نمی کنیم به خاطر انکار جماعت باشد، بلکه بخاطر دعوت به اسلام و امر به معروف است، همچنان انتقاد ما از یک جماعت جهادی به معنای انکار جهاد نیست. مفهوم و نهادهای اسلامی جدا، اجرا و دفاع جماعتها از آن هم بحثی جداگانه است. هیچ مفهوم ونهاد اسلامی در انحصار یک جماعت نیست و نخواهد بود.

۳۳. وقتی اشغال افغانستان شروع شد، سپس به عراق وسوریه، لیبی، مصر وبه یمن سرایت نمود. اگر خوب به این تحولات دقت نمایید. جماعتهای اسلامی از دخالت و اشغال این کشورها هیچ منفعتی نبردند. وباور داریم در صورتی که امر دعوت بخوبی انجام نشده باشد، بهمان صورت نیز اجرای جهاد نیز بخوبی اجرا نخواهد گشت. رسول الله (ﷺ) همه مراحل و فرآیند کاری خود را تعیین می نمودند. ودر چهارچوب این مراحل مبارزه می نمودند وبراساس تحریک و فشار مشرکان نبود. با پیش بینی و ارزیابی خود مراحل را شروع و پایان می داد. باور داریم که وقایع دوران حاضر و اتخاذ مراحل مناسب برای چاره سرنمودن آن یک مساله اجتهادی است. عکس العمل جماعت و افراد نسبت به از بین بردن بدی و فساد، بستگی به قدرت و استعداد آنها دارد و بر همین اساس در این باره نگرشهای مختلفی وجود دارد و هر جماعت یا شخص روند زندگی خود را بر اساس این نگرش طراحی می کند. بنابر این بر این باور هستیم که؛ تثبیت مراحل یک امر مطلق نیست بلکه امری اجتهادی است وبایستی مسلمانان برای چنین مسایلی عملکرد و درک آنها به هم نزدیک باشد.



۳٤. در عـصر حـاضر بیشـترفعالیتهای تبلیغـی مـا در اروپـای شرقـی وخصوصا ترکیـه اسـت. سرویسـهای اطلاعاتـی، طاغوتـان و اسـتعمار جهانـی بصـورت سریـع تـلاش وحسابرسـی مـی کننـد کـه افـراد همزبـان و هموطـن مـا را اجیـر نمـوده و جهـت منافـع خـود از آنهـا بهـره مـی گیرنـد وهمـکاری ایـن جیـره خـواران بـا طاغوتـان یـک حقیقـت انکارناپذیـر اسـت. بـاور داریـم کـه افـراد و جماعتهـا بایسـتی دقـت لازم را خـرج نمـوده و در ایـن خصـوص هوشـیار باشـند.

در چنیـن وضعیتـی؛ مسـبب توطئـه هـای عملـی طاغوتـان را بردیگـر جماعتهـا نگذارنـد و بـر حرکـت و فعالیـت جماعتهـا مهـر و برچسـپ اجیـر بـودن اسـتعمار جهانـی نگذارنـد، نگـرش چنیـن اشـخاصی از بیـمار دلـی آنهاسـت. وبـاور داریـم کـه آنهـا بـر حقایـق موجـود در منطقـه چشـم بسـته وبـا ایـن همـه بدبختـی و سـختی موجـود در منطقـه بـه بصـورت عـادی وسـطحی رفتـار و تعامـل مـی کننـد.

۳۵. وظیفـه مسـلمانان ایـن اسـت کـه؛ بندگـی اللـه(ﷻ) را نمـوده و انسـانها را بندگـی نمـودن اللـه(ﷻ) دعـوت نمایـد ودر برابـر چالشـهایی کـه در ایـن راه بـا آنهـا مواجـه مـی شـود صـبر نمایـد. چونکـه در مقابـل ایـن صـبر اللـه(ﷻ) وعـده خـود را کـه تمکیـن و قـدرت بخشـیدن بـه بندگانـش اسـت را تحقـق مـی بخشـد.

"اللـه(ﷻ) بـه کسـاني از شـما کـه ایمـان آورده انـد و کارهـاي شایسـته انجـام داده انـد، وعـده میدهـد کـه آنـان را قطعـاً جایگزیـن (پیشـینیان، و وارث فرماندهـي و حکومـت ایشـان) در زمیـن خواهـد کـرد (تـا آن را پـس از ظلـم ظالمـان، در پرتـو عـدل و داد خـود آبـادان گرداننـد) هـمان گونـه کـه پیشـینیان (دادگـر و مؤمـن ملّتهـاي گذشـته) را جایگزیـن (طاغیـان و یاغیـان سـتمگر) قبـل از خـود (در ادوار و اعصـار دور و دراز تاریـخ) کـرده اسـت (و حکومـت و قـدرت را بدانـان بخشـیده اسـت). همچنیـن آئیـن (اسـلام نـام)



ایشان را که براي آنان میپسندد، حتماً (در زمین) پابرجا و برقرار خواهد ساخت، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیّت و آرامش مبدّل میسازد، (آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران، تنها) مرا میپرستند و چیزي را انبازم نمیگردانند. بعد از این (وعده راستین) کساني که کافر شوند، آنان کاملاً بیرون شوندگان (از دائره ایمان و اسلام) بشمارند (و متمرّدان و مرتدّان حقیقي میباشند).» [16]

اما جماعتها و اشخاص نبایستی وظیفه اصلی خود را رهانموده و تنها منتظر تحقق وعده الله(ﷻ) باشند. در این وضعیت با ابتکار شتابزدگی و شرایط نامناسب ممکن است سبب شود که به هدف مورد نظر دست نیافته و یا آنچه را که بدست آورده را از دست دهد.

۳٦. تاریخ امت اسلامی، تاریخ عزّت وافتخار است. از تاریخ خود استفاده می کنیم، میدانیم که تاریخ و رخدادهای تاریخی دلیل نیستند، اما رخدادهای تاریخی را براساس علم نوین به درست ونادرست تقسیم نموده وباور داریم بایستی رخدادهای درست را در صورتی که مخالف با قران و سنت نباشند، بدانها ارزش نهاد. آنچه را که در طول تاریخ زیسته-اند بسان حدیثی از پیامبرو یا آیه ای از قران با آن تعامل نمی کنیم.

۳۷. نسبت به شخصیتهای مشهور اسلامی که قبلا زندگی نموده اند حسن ظن داشته واعمال آنها را نیک می پنداریم. بجز پیامبر، هیچ شخصیتی را بعنوان دلیل وحجت باور نداشته وارزیابی سخنان و اعمال ایشان بر اساس کتاب ضروریست. دوست داشتن و احترام گذاشتن شخصیتهای علمی یک چیز، اما قبول نمودن حرفهای آنها بصورت مطلق وکنارنهادن دوست داشتن پیامبر امری دیگر است.

---

۱۶. نور ۵۵



۳۸. چهار سرمذهبی که بوده اند و مذهب آنها به ما رسیده و همچنین مجتهدانی که مذهب آنها به ما نرسیده است را دوست داریم وبدانها رحمت میفرستیم. وبخاطر ترتیب و آسانکاری که در فقه اسلامی انجام داده اند، آنها رابا فرستادن رحمت یاد می کنیم.

۳۹. در اجتهاد تا روز قیامت باز است، اجتهاد برای کسانی که علم رابه انسانها می رسانند با توجه به وضعیت و رویدادها یک امر ضروری است. اجتهاد و مقام و مرتبه علمی مربوط و منحصر به یک دوره زمانی نیست. این بخشش الله(ﷻ) است والله(ﷻ) بخشش خود را به هر کس که اراده نماید می دهد.

۴۰. موضوع فقه (عملی) در تاریخ اسلامی بر دو رویکرد دلالت دارد:

آ. عوام، آنها با سوال نمودن از عالمانی که در منطقه آنها زندگی می کنند مسایل فقهی را آموخته و بنا بر آن آموخته ها زندگی می کنند.

در صورتی که سوال کننده در پرسیدن سوال، سوال شونده(عالم) را تغیر دهد و با جوابی مختلف و متفاوت از جانب سوال شونده مواجه شود به عوام هیچ ضرری نخواهد رسید. پیامبر برخی از اصحاب را به مناطق مشخصی می فرستادند و بعد از مدتی آنها را تغییر می دادند. معلوم است که اصحاب در مسایل فقهی دارای نگرشهای متفاوت بودند.

ب. کسی که بر اساس فتوا و اجتهاد یک سرمذهب عمل می کند بایستی که پایبند بدان سر مذهب بوده و از چهارچوب فتوا و اجتهاد او بیرون نرود.

ما باور داریم که برابر با ترجیح یکم می توان ترجیح دوم را نیز بکار برد و این شرعی است. ما تابع یک مذهب ثابت نیستیم، چونکه مذهب، دین را بسوی تعصب و فرقه گرایی سَوق می دهد. تا جائی



که برخیها باور دارند نمی توان پشت سر امامی از مذهب دیگر نماز خواند، یا ازدواج یک مذهب با مذهب دیگر را درست نمی دانند. ما با کسانی روبرو هستیم که بخاطر مطابقت نداشتن یک سنت صحیح پیامبربا مذهبشان دچار تعصب گرایی گشته و می گویند: این سنت منسوخ یا تاویل شده و یا ضعیف است.!!

٤١. بطور کلی یکی دیگر از اهداف اصلی فعالیتهای ما:

- هرچیز را فدای اسلام نمودن ومبدل گشتن به اهل خدمت وبایستی چنین مسلمانانی را تثبیت نموده و آنها را آموزش و رهبری نمود.

- حساسیت و مشکل مسلمانان در ترکیه نسبت به توحید که گریبانگیر آنها شده است را با شرکت در بحثها وسیمینارهای آموزشی چاره سرنمودن.

- با برنامه ریزی پیشرفته و حساب شده توحید و سنت را به دورترین نقاط ترکیه رساندن.

- برای نشر و توسعه دعوت از همه وسایل بصورت حرفه ای و جداگانه استفاده نمودن.

- با ترجمه کتابها و درسها به زبانهای دیگر دعوت خود را به همه دنیا مخصوصا اروپا رساندن.

- یک عقیده را به اشتراک گذاشتن، تا نقطه اشتراک فعالیت همه مسلمانان، زمینه ساز نمودن برای تبدیل به یک امت وبصورت عملی برای تحقق این مساله همدیگر را همکاری نموده و از مشاجره و تفرقه گرایی پرهیز نمودن.

- درک وفهم خود را از ایمان به همدیگر نزدیک نماییم واطرافیان را



برای ازبین بردن کم و کاستی و نصیحت در یک مکان با هم جمع نمودن.

- الله(جَلَّ جَلالُهُ) را بخاطر این راه شکر نموده ودر همه مراحل صبر نموده، کسانی را که بعد از مسلمانان بجای می مانند با آنها ارتباط برقرار نموده و آنها را حفاظت و سرپرستی می کنیم.

جماعت توحید و سنّت



محل فروش

استانبول

Tevhid kitabi, Hürriyet mah. Cumhuriyet cad. No: 3 Bağcılar/
İstanbul 0090 5457621515

انکارا

Kazım Karabekir mah. 2061 Sk No: 18

Etimesgut/Ankara 0090 534 701 10 20

قونیه

Tevhid kitabevi, Sarıyakup mah. Burhandede Cd. No: 28/A
Karatay/KONYA 0090 5535134848

دیار بکر

Tevhid kitabevi, Kaynartepemah. Gürsel Cd. No: 90/A
Bağlar/DİYARBAKIR 0090 5418573420

لا إله إلا الله محمد رسول الله

آدرس های رسـانه ای ما

tevhiddersleri.net

facebook.com/tevhiddersleri1

twitter.com/Tevhid_Dersleri

tevhiddergisi.net

facebook.com/tevhidergisi

twitter.com/Tevhid__Dergisi

instagram.com/tevhid_dergisi

tevhidigundem.org

facebook.com/tevhidigundeminfo

twitter.com/Tevhidi_gundem

instagram.com/tevhidigundem

radyotevhid.com

facebook.com/RadyoTevhidd

twitter.com/radyotevhid

کتابهای نشر شـده از جانب ما

Tüm Rasûllerin Ortak Daveti	*Ebu HANZALA*	*Roman Boy/110 Sayfa*
Tüm Rasûllerin Ortak Müjdesi	*Ebu HANZALA*	*Roman Boy/200 Sayfa*
Allah'a Adanmış Gençlikler	*Ebu HANZALA*	*Roman Boy/160 Sayfa*
Akaid Dersleri	*Ebu HANZALA*	*Roman Boy/208 Sayfa*
Ehl-i Sünnetin Menheci ve Cihadın Esasları	*Abdulkadir bin Abdulaziz*	*Özel Boy(17x24cm)/320 Sayfa*
Güncel İtikad Meseleleri	*Ebu HANZALA*	*Roman Boy/240 Sayfa*
Tağuta Kulluğun Modern Mabedleri	*Komisyon*	*Roman Boy/156 Sayfa*
İhtilaf Fıkhı	*Ebu HANZALA*	*Roman Boy/144 Sayfa*
Dinin Doğru Anlaşılmasında 4 Temel Kaide	*Şerh: Ebu HANZALA*	*Roman Boy/176 Sayfa*
Müslümanların Allah'a Karşı Sorumlulukları	*Ebu HANZALA*	*Roman Boy/304 Sayfa*
Müslümanların Emirlerine Karşı Sorumlulukları	*Ebu HANZALA*	*Roman Boy/196 Sayfa*
Müslümanların Birbirlerine Karşı Sorumlulukları	*Ebu HANZALA*	*Roman Boy/336 Sayfa*
Yiğit Muvahhidlerin Öyküsü	*Anonim*	*Roman Boy/168 Sayfa*
İbrahimî Genç	*Abdullah Z. ATABEY*	*Roman Boy/264 Sayfa*
Sahabe Cihadından Tablolar	*Salâh Abdulfettah el-Halıdî*	*Roman Boy/248 Sayfa*
Werin İslam'ê	*Ebu Sehran Es-Surî*	*Cep Boy/86 Sayfa*
Ramazan Mektubu	*Ebu HANZALA*	*Cep Boy/40 Sayfa*

یادداشت

درود ورحمت الله(ﷻ) بر کسانی که هدایت الله(ﷻ) شامل حالشان شده است. ما جماعتی هستیم از الله(ﷻ) ترسیده وبه رحمت الله(ﷻ) چشم دوخته ایم، هدایت الله(ﷻ) شامل حال ما گشته ومارا موفق و مفتخر به خدمت و دعوت به دین نموده است. پروردگار ما را موفق به دعوت به توحید و سنت نمود بصورتی که با لطف الله(ﷻ) هر کس آنرا شنیده و هرجا انتشار یافته است.

البته اصول و اساسی که ما بیان میداریم، چیزهای تازه و نوظهور نیستند، بلکه این پیام نقطه اشتراک دعوت همه پیامبران از آدم (علیه السلام) تا خاتم (ﷺ) بوده است و ما با رساترین وبهترین صدا این پیام را تبلیغ می کنیم.

هدف از تهیه و تنظیم این کتاب آگاه ساختن ملیونها انسانیست که از دعوت وپیام ما آگاهی نداشته و ما را نمی شناسند.

دعوت نکردن انسانها به دین الله(ﷻ) در حقیقت به معنای تحریف نمودن سنتهای الهی است. همچنان که طاغوتان پیشین از یادآوری عذاب الله(ﷻ) خوششان نمی آمد، بدینصورت نیزیادآوری عذاب الله(ﷻ) برمزاق فرمانروایان و نمایندگانی که از فرمان الله(ﷻ) سرپیچی می کنند خوشایند نیست. بصورتی که اگر حقیقت عذاب الله(ﷻ) را بدانها یادآوری کنید بر مزاقشان گران آمده و از اهل حقیقت فرار نموده به جمع اهل باطل در می آیند وعاقبت آنهاجبهه گیری نموده وبا ما دشمنی و ابراز خصومت می نمایند.

سوالی که بیشتر در اذهان مطرح می شود این است که؛ اینها کی هستند وچه می خواهند؟ هرکس چیزی گفته است. با گذشت هر روز دوست داشتن این دعوت نزد دوستداران بیشتر میشود و به همان اندازه هم کسانی را که از این دعوت نفرت دارند وموجب ناراحتی آنها میشود این ناراحتی و کینه آنها از دعوت ما، در زبانشان بازتاب می یابد وآنچه را از کینه در درونشان مخفی می کنند چه بسا خیلی بزرگتر و بیشتر است.....

بنابراین، برای شفای دل کسانی که بدین دعوت دل داده اند وبرای جواب دادن به سوال اشخاص کنجکاو در مورد دعوت ما و ازبین بدن ترس برخیها از دعوت، وبسان بشارتی این کتاب را آماده نموده ایم و تا زنده ایم با رساترین صدا برای شناخت این دعوت تلاش می کنیم.


ISBN 978-6-05837-040-1

